شماره تلفن: ۳۳۷۴۱
روزنامه یومیه — تکشماره ۲ ریال

بهای اشتراک
سالیانه ۶۰۰ ریال — شش ماهه ۳۰۰ ریال

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مصوبه و مقررات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۴۳۷۲ — دوشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۳۸ — سال شانزدهم

شماره مسلسل ۳۷۸
دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۷۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه هفدهم بهمن ماه ۱۳۳۸

فهرست مطالب:

۱) تصویب صورت مجلس
۲) طرح گزارش کمیسیون مخصوص نفت راجع باساسنامه شرکت ملی نفت ایران از ماده ۳۱ تا ۳۴
۳) تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ
۴) تقدیم لایحه بودجه ۱۳۳۹ مجلس شورای ملی بوسیله آقای اقبال وزیر کار
۵) طرح گزارش کمیسیون مخصوص نفت راجع باساسنامه شرکت ملی نفت از ماده ۳۵ تا ماده ۵۷
۶) تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یک ساعت و سی و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان: خلعتبری، کهپور، محمودی، کورس، سعیدی، عامری، پناهی، ابتهاج، اعظم زنگنه، دکتر شاهکار، بزرگ ابراهیمی، خرازی، صفاری، مهدوی، فضائلی، دکتر دیبا، اورنگ، مهندس شیبانی، تیمورتاش، سلطانمراد بختیار، اریه، دکتر وکیل، سنندجی، دکتر اصلان افشار، حشمتی، دهقان، دکتر حمید، فضنفری، دکتر سعید حکمت، کاظم شیبانی، مسعودی، دکتر ضیائی، صارمی.

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر طاهری، قرشی.

دیر آمدگان وزود رفتگان با اجازه - آقایان: یارافشار، دولتشاهی، دیهیم

رئیس - نسبت بصورتمجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورتمجلس جلسه قبل تصویب شد

۲- طرح گزارش کمیسیون مخصوص نفت راجع باساسنامه شرکت ملی نفت از ماده ۳۱ تا ماده ۳۴

رئیس - دستور اساسنامه شرکت ملی نفت است ماده ۳۰ در جلسه پیش تصویب شد ماده ۳۱ قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۱ - اعضای شورایعالی وهیئت مدیره و هیئت عالی بازرسی وهمچنین کارمندان شرکت حق هیچگونه معامله مستقیم یا غیر مستقیم با شرکت ندارند.

تبصره - خرید فرآورده‌های نفتی و کالاهائیکه شرکت باسازمانهای تعاونی وابسته بآن برای کارکنان خود تهیه مینماید در حدود مصرف شخصی از مقررات این ماده مستثنی است.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی گرفته میشود باماده ۳۱ آقایانی که موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۲ قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۲ - هریک از اعضاء هیئت مدیره که در سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب در سال بدون عذر موجه در جلسات هیئت مدیره حاضر نشود بر کنار خواهد شد.

رئیس - مخالفی نسبت بماده ۳۲ نیست؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته میشود بماده ۳۲ آقایانی که موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۳ خوانده میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۳ - درصورت فوت یا استعفا یا تغییر هریک از اعضای هیئت مدیره جانشین او طبق مواد ۲۷ و ۲۸ از طرف هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۳۳ آقایانی که موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۴ مطرح است.

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۴ - اگر در نتیجه بروز اختلافی اکثریت اعضای هیئت مدیره استعفا کنند انتخاب کلیه اعضای هیئت تجدید میشود واعضای هیئت سابق ممکن است مجدداً انتخاب شوند

رئیس - آقای قنات آبادی بفرمائید.

قنات آبادی - مخالفت من با این ماده این است که این آقایان که استعفا میدهند امکان تجدید انتخابشان فکر میکنم زیاد ضرورت ندارد برای اینکه این آقایان اگر میخواستند کار کنند وظیفه‌شان را انجام بدهند استعفا نمیدادند دیگر وقتی کسی استعفا کرد و بمیل خودش رفت تجدید انتخاب نباید برای آنها وجود داشته باشد برای اینکه دوم رتبه فردا ویس فردا تا این امکان تجدید انتخابات برای آقایان وجود داشته باشد استفاده میکنند.

رئیس - آقای مهبر

مهدی مشایخی (مهبر کمیسیون خاص نفت) - البته همانطوریکه جناب آقای قنات آبادی فرمودند اصل همکاری و تشریک مساعی باید در یک هیئت مدیره‌ای باشد تا کارهای یک شرکتی خوب اداره شود و وقتی که استعفا کردند معلوم میشود همکاری نیست ممکن است در نتیجه عدم همکاری یک یا دو نفر مصلحت این باشد که همه استعفا بدهند تا اینکه آن یکی یا ۲ نفر بر کنار شوند (قنات آبادی - این یک شق قضیه است) از این نقطه نظر اگر این ذکر را نکنیم که تجدید انتخاب بلامانع است در این صورت ممکن است اشخاصی که وجودشان نافع است از هیئت مدیره کنار بروند از این جهت بنده استدعا میکنم موافقت بفرمائید که بهمین صورت این ماده تصویب شود.

رئیس - آقای فیلکس آقایان

فلیکس آقایان. بنده نمیدانم با توضیح آقای مخبر جناب آقای قنات آبادی قانع شدند یا خیر منظور این است که فرض بفرمائید جناب آقای قنات آبادی (قنات آبادی بنده گوشم بشماست) فرض بفرمائید اینها ده نفرند شش تای اینها استعفا دادند نتیجه چه میشود؟ مطابق این ماده کلیه مستعفی شناخته میشوند و انتخابات از سر نو شروع میشود اکثریت که استعفا بدهند کلیه مستعفی شناخته میشوند درست است فرض بفرمائید اینها ده نفرند ۶ تا استعفا دادند ٤ نفر هم مستعفی میشوند انتخابات از نو شروع میشود بنابراین شرطی را که اینجا گذاشته است که بتوانند آن ٤ نفری که گناهی نداشتند آنها را تجدید انتخاب بکنند بعد هم دست دولت است هر کس را خواستند انتخاب می شود (صحیح است).

رئیس- آقای دکتر رضائی

دکتر رضائی. بنده در این ماده مشکلی بنظرم رسید که فکر کردم اینجا مطرح کنم و ببینم نظر آقای مخبر کمیسیون چیست؟ میگوید اگر در نتیجه بروز اختلافی اکثریت اعضای هیئت مدیره استعفا کنند انتخاب کلیه اعضاء تجدید میشود و اعضای هیأت سابق ممکن است مجدداً انتخاب شوند در نظر داشته باشید که اکثریت در اینجا عبارتست از شش و شش نفر کسانی هستند که روسای ادارات شرکت نفت هستند و در حقیقت متعلق بدستگاه شرکت ملی نفت هستند. اگر ما اجازه بدهیم در صورت استعفای شش نفر تمام هیأت مدیره منحل بشود در حقیقت ما یک اسلحه‌ای دادیم بدست شش نفر کارمندان شرکت نفت که هر وقت بخواهند ۵ نفر دیگر را در هر امری تهدید کنند و میتوانند به ۵ نفر دیگر بگویند که چنانچه شما با نظر ما موافقت نکنید ما استعفا خواهیم داد و شما هم نتیجة از هیأت مدیره کنار خواهید رفت این یک مشکلی است ملاحظه بفرمائید یعنی شما که بحق علاقمند هستید این ۵ نفر نیز بتوانند یک نظر مشورتی بدهند و این نظر مشورتی آنها ملحوظ بشود چنانچه این اسلحه را بدست آن شش نفر بدهید آنها در حقیقت تحت الشعاع نظریات شش نفر دیگر قرار دادید چون میتوانند بگویند چنانچه در این مورد با نظر ما موافقت نکنید ما استعفا خواهیم داد یعنی یک وضعی پیش میآید که آنها دیگر هیچ تصمیمی در حقیقت نمیتوانند بگیرند اگر خاطر آقایان باشد نظر مجلس بر این شد و بهمین دلیل آن ماده‌ای که در مورد احراز اکثریت جلسات بود تغییر کرد که این آقایان بتوانند منشأ اثر باشند در این جلسات باین جهت ما اضافه کردیم که جلسات باید ۸ نفر باشند و این ماده با آن مغایرت دارد بعقیده بنده ما بایستی کاری بکنیم که این ۵ نفر همیشه مجبور نباشند خودشان را در اختیار آن سه نفر بگذارند و این ماده وضع را طوری بوجود خواهد آورد که این پنج نفر همیشه در اختیار آن شش نفر هستند و میتوانند بگویند چنانچه با این نظر موافقت نکنید ما استعفا می کنیم من استدعا می کنم در این مطلب تأمل و تعمق بفرمائید تا بتوانیم یک راه حلی برایش پیدا کنیم

(قنات آبادی - احسنت، من پیشنهادی دادم)

رئیس- آقای بوربور

بوربور- در این قسمت اصل تجانس بین هیأت مدیره است اینکه اینجا گذاشته شده است که هر گاه شش نفر اکثریت استعفا کردند آن چهار نفر دیگر هم مستعفی شناخته شود برای این است که اگر آن چهار نفر باقی بماند و شش نفر دیگر انتخاب بکنند احتمال قوی دارد که بین آن ۱۰ نفر آن تجانسی که برای همکاری لازم است وجود نداشته باشد و بنظر بنده این ماده خیلی صحیح تنظیم شده چون ما اصل آزادی را که نمیتوانیم درش دخالت بکنیم هر کس آزاد است در استعفا کردن، اشکال در این است که آیا تجدید انتخاب بشود یا نشود و تجدید انتخاب یک تشریفاتی دارد که تمام این نظر ها درش تأمین است دولت درش نظر دارد بنابراین اشکالی از این لحاظ که اشخاصی را تجدید انتخاب بکنند باقی نمیماند بخصوص که الزامی نیست و آنها را مکلف نکرده که دومرتبه انتخاب بکنند بلکه گفته‌اند تجدید انتخاب آنها مانعی ندارد بنابراین اگر وجود آنها را آن تشکیلات و آن مراجع لازم دانست انتخاب میکند و اگر لازم ندانست انتخاب نمیکند

رئیس- پیشنهادی رسیده که قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده ۳٤ اینطور اصلاح بشود،

و اعضای مستعفی هیأت مدیره نمیتوانند دیگر انتخاب شوند

رئیس- آقای قنات آبادی

قنات آبادی- بحضور محترم آقایان عرض کنم که بعضی مسائل و کارها هست در این مملکت که افرادی که در رأس آن انجام وظیفه میکنند بعلت اینکه آن شغل خیلی حساس است باید درباره آنها هم صحیح فکر کرد و مراعات خیلی مطالب را کرد. یکی از آن مشاغل حساس بلکه شاید در رأس مشاغل حساس مملکت ما موضوع نفت است و اینهائی که آنجا مشغول انجام وظیفه هستند و کار می کنند درباره شان باید قبلا مطالعه و دقت شود مطابق با مصلحت از نظر فنی و از نظر سیاسی و از نظر همه چیز بنابراین طبعاً در یک همچو کار اساسی اشخاصی که انتخاب میشوند و گمارده می شوند اشخاص بصیر و مطلع و با درایتی خواهند بود این ماده ۳۵ یا ۳٤ بعقیده من دردلش یک توطئه‌ای وجود دارد و آن این است که این می گوید اگر اکثریت استعفا دادند یعنی شش نفر استعفا دادند همه می دانید که اگر بخواهند رأی بگیرند و یک نظریه‌ای را ببرند اکثریت کافی است رأی میدهند و نظریه پیش میرود و فلجی در امورات و کارهای جاری شرکت بوجود نمی آید و موقعی اکثریت استعفا خواهد داد، اکثریت موقعی استعفا می دهد که بالنتیجه هیأت مدیره فلج بشود که یکی دو تا سه تا یا بیشتر را بخواهند دک کنند بیرون کنند از هیأت مدیره بنابراین در این ماده ۳٤ یا ۳۵ پیش بینی شده که اگر اکثریت استعفا کرد اکثریت که هر آن می تواند با رأی خودش نظریه‌ای را تصویب بکند پس بنابراین اکثریت وقتی در مقابل یک اقلیت مستقل صریح نکته سنج قرار بگیرد و در مقابل آنها جواب منطقی نداشته باشد دست بحربه‌ای می کند که هیچوقت در دنیا مال اکثریت ها نبوده اکثریت باید به نشینند رأی و نظر بدهد و نباید ابستروکسیون بکند. در این ماده با اکثریت اجازه داده شده که شما هر وقت در مقابل یک ایرادهائی قرار گرفتید چون برای ما فرض و اصل این است که آنهائی که در این جا انتخاب شدند آدمهای خوبی هستند و اکثریت هم حکمش قاطع است ولی اکثریت می بیند در مقابل یک منطقی صحیح قرار گرفته و چاره‌ای ندارد عملی می کند که در دنیا اقلیتها باید بکنند یعنی ابستروکسیون میکنند و آنوقت عین این است که ما بآنها اجازه بدهیم اکثریتی که باید بنشیند و رأی بدهد و کارها را پیش ببرد استعفا کرده و کار را فلج کرده بآنها اجازه بدهیم که دومرتبه انتخاب بشوند و مصدر کار بشوند و باز اگر کسی آمد و خواست انتقاد بکند باز همان بازی را در بیاورند و ما این جریانات را در امورات مملکتی خیلی دیدیم در هیئت های مدیره دیدیم که اگر یک کسی پیدا شد و انتقاد کرد و کارهای بد و غلط را نشان داد می آیند و می نشینند پیشنهاد میدهند هیئت مدیره اکثریت استعفاء میدهد بعد آقای منتقد و آقائیکه ارائه طریق کرده می گذارند کنار بعد آنها مجدداً مصدر کارها می شوند. من معتقدم این از نظر اداره شرکت ملی نفت یعنی یک جائی که برای ما و مملکت ما بسیار بسیار جای حساسی است این صحیح نیست که به اکثریت اجازه بدهیم با استعفای دسته جمعی و ابستروکسیون کارهای عمومی این شرکت را فلج بکنند علاوه این مطلبی را که جناب آقای بوربور فرمودند اصل تجانس است نفهمیدم که اینجا یعنی چه مگر هیئت مدیره محل انس است که باید تجانس باشد هیئت مدیره محل کار است اصل داشتن صلاحیت انجام کار و فکر صحیح برای اداره شرکت است و وقتی این اصل مراعات بشود و در انتخاب هیئت مدیره این عمل مرعی و منظور بشود دیگر فکر نمیکنم که اصل تجانس در آنجا اصلا راهی داشته باشد علاوه بر این نمیدانم این آقایان که از زیر بار کار شانه خالی کرده و رفته‌اند کنار و آن عده‌ای که گفته‌اند ما کار میکنیم نظریه داریم و مثبت هستیم آنها چرا بروند بچه دلیل بروند آنها چه گناهی دارند ولی آن دسته‌ای که استعفا میکنند بگوئیم عملتان صحیح است اگر رفتید بر تان میگردانیم اما دسته‌ای که ایستاده‌اند و می گویند ما کار میکنیم و استعفا هم نمیدهیم، ما وظیفه‌مان را حس میکنیم و انجام وظیفه میکنیم، بگوئیم بروید پی کارتان من فکر نمیکنم با پیش گرفتن این عمل از نظر حسن اداره شرکت نفت سنگ روی سنگ بند شود.

رئیس- آقای دولت آبادی

حسام الدین دولت آبادی - بیاناتی که جناب آقای قنات آبادی فرمودند تردید نیست که با داشتن دقت نظر و خوش بینی و علاقمندی اظهار شده و ما شرایطی که در انتخاب این افراد هست که اگر به آن شرایط توجه کنید این مشکل را حل میکند علاوه بر این ما مسئولیت کلی برای رئیس هیئت مدیره شرکت در قانون قائل شده‌ایم و نکته دیگری که ایشان باید توجه کنند این است که چه بسا اتفاق می افتد یک نفر چه فنی و غیر فنی اشکالاتی ایجاد میکند و کار میماند آن عده برای پیشرفت و تسهیلات در کار استعفا میکنند و آن یک نفر میرود نباید این را با بدبینی تلقی کرد چون عناصری هستند که انتخابشان دارای شرایطی هست برای روشن شدن ذهن همکار عزیزم جناب آقای قنات آبادی عرض میکنم که این افراد زیاد نیستند که ما بتوانیم انتخاب آزاد درباره آنها قائل بشویم اگر رفتند بعلتی است و چه بسا با رفع علت میتوانند انتخاب شوند.

رئیس- آقای دکتر رضائی با ماده موافقید (خیر با پیشنهاد موافقم) بفرمائید

دکتر رضائی - بنده از اینکه مجدداً مصدع اوقات آقایان میشوم معذرت میخواهم ولی متأسفانه توضیحات جناب آقای بوربور در مورد مشکلی که بنده در اینجا مطرح کردم بنده را قانع نکرد و همانطور که جناب آقای قنات آبادی فرمودند ما چنانچه این ماده را اصلاح نکنیم با اکثریت حق انحلال هر گونه اقلیتی را داده‌ایم بنده حرفی ندارم و تردیدی نیست که اشخاص ذیصلاحتی که میتوانند در هیئت مدیره انجام وظیفه کنند همانطور که جناب آقای دولت آبادی فرمودند زیاد نیست، صحیح است، اما قلت این اشخاص نبایستی ما را بر آن بدارد که ما یک اصل کلی هر گونه تشکیلاتی را زیر پا بگذاریم و با اکثریت اجازه بدهیم اقلیت را منحل بکند. بسیار صحیح است که اکثریت حق داشته باشد که نظرش را بر اقلیت تحمیل کند ولی اکثریت حق انحلال اقلیت را

نباید داشته باشد در حقیقت چنانچه این ماده را اصلاح نکنیم مثل این میماند. بنده یادم هست که در مورد یکی از حکومت ها گفتند نخست وزیر هنگام آوردن وزیرش استعفای بدون تاریخ ازش گرفته بود برای اینکه هر وقت خواست بگوید تو استعفا دادی و تاریخش را زیرش می گذارد این مثل آن می ماند

در حقیقت این همان است یعنی ما میگوئیم که آقایان هر وقت خواستیم شما را میتوانیم کنار بگذاریم در اینجا جناب آقای مهندس هدایت فرمایش جنابعالی کاملا صحیح است که نبایستی اقلیت بتواند نظرش را تحمیل بکند، ولی این نظر تأمین است شش نفر هستند می توانند رأی بدهند و نظر آنها در نتیجه قابل اجراست فقط صحبت در اینجا در این است که این اکثریت نتواند در حقیقت دست اقلیت را بگیرد و بیرون بیندازد والا کاملا صحیح است و اکثریت باید حق داشته باشد و این نظر صحیح است و باید اجرا شود و تا اینجایش هیچ کس حرف ندارد اما اگر ما بخواهیم بگوئیم که خیر اگر فلان اقلیت خواست یک کمی ایستادگی کند در یک مورد یا دو سه مورد مخالفت بکنند بگوئیم این شخص ناراحتی است یا این اشخاص، اشخاص ناراحتی هستند، بنابراین ما استعفا میدهیم آقایان هم مستعفی شناخته میشوند این صحیح نیست، بنظر بنده شاید راه حلی که جناب آقای قنات آبادی در نظر گرفته‌اند زیاد ایدآل نباشد ولی محققاً این مشکل اساسی که در این ماده است از بین خواهد رفت کاملا صحیح است و تصدیق می کنم جناب آقای دولت آبادی که ما اشخاص ذی صلاحیت زیادی نداریم که بتوانیم در هیئت مدیره بگذاریم و این صحیح نیست که بگوئیم آقای اقلیت شما همیشه در اختیار اکثریت باش در حالیکه ما میدانیم که اینها یک دسته متعلق بدستگاه شرکت نفت هستند محظوراتی در عمل دارند ممکن است آن آزادی که بقیه اعضای هیئت مدیره دارند نداشته باشند و لازم باشد یک مطالبی را ملحوظ بدارند و این امر سبب خواهد شد که اینها در بعضی موارد بخواهند این اقلیت را کنار بگذارند بنده استدعا دارم برای رفع این اشکال موافقت بفرمائید که این پیشنهاد تصویب شود.

رئیس- آقای مخبر

مهدی مشایخی - استعفای از یک شغلی یک حق شخصی است و همه کس در هر موقع از هر کاری می تواند استعفا بدهد و بعقیده بنده اگر شخصی استعفا داد نباید گفت مرتکب جرمی شده و مستوجب مجازات است برای جرم باید مجازات تعیین کرد نه برای استعفا دادن که یک حق شخصی است اگر بخواهیم محرومیت از تجدید انتخاب قائل بشویم بعقیده من برای یک عملی که حق قانونی یک فردی است مجازات قائل شده‌ایم اما موضوع استعفا یکوقت هست جناب آقای قنات آبادی از این ۱۹ نفر ۶ نفر از اعضای هیئت مدیره مشترکا میآیند با همدیگر توافق میکنند برای تحمیل نظر خودشان این یک فرض است اما یک فرض دیگر ممکن است دو نفر یکنفر یا چند نفر کارشکنی در امور شرکت بکنند آنها اکثریت را تشکیل نمی دهند و کارشکنی در همه امری مؤثر است البته همانطور که فرمودید عدد مؤثر است اما از نظر کارشکنی یک فرد می تواند یک نحوه‌ای و اوضاع احوالی ایجاد بکند که یک موضوعی که باید در یک جلسه اتخاذ تصمیم بشود شش ماه طول بکشد اگر آمدیم فرض کردیم که عده‌ای در یک کار کارشکنی کردند و فهمیدیم که می خواهند موجباتی فراهم بکنند که در کار شرکت وقفه پیدا شود از این جهت آقای رئیس هیئت مدیره برای جلوگیری از کارشکنی و خاتمه دادن باوضاع کارشکنی بدو نفر از اعضاء مثبت و مفید و مؤثر شرکت نفت می گوید که آقا برای آنکه بتوانیم از شر اینها راحت بشویم بیا مستعفی بشو من خیال می کنم که اگر برای رفع شر آن چند نفر آمدند استعفا دادند چرا حق انتخاب شدن نداشته باشند؟ بنابراین یک مطلب حساسی است و همانطوری که عرض کردم موضوع استعفا دادن یک حق شخصی است و جرم نیست و مجازات ندارد در قانون تجارت این اصل پیش بینی شده که اساساً وقتی یک جلسه از اکثریت افتاد آن جلسه نمیتواند کار بکند و باید انتخابات عملی بشود و جناب آقای قنات آبادی در ماده قبل تصویب کردیم شاید در جلسه قبل تشریف نداشتید در ماده قبل گفتیم برای تصویب کردن حضور ۸ نفر لازم است با شش نفر هیئت مدیره نمی تواند تشکیل بشود اگر فرض بکنیم نظریه جنابعالی مفید است و باید پیروی کنیم در صورتی است که معتقد باشیم که هیئت مدیره از شش نفر باشد در حالی که در جلسه قبل تصویب کردیم که هیئت مدیره با ۸ نفر باشد بنابراین با توجه باینکه باید ۸ رأی داشته باشیم و ۸ نفر باید حضور داشته باشند و ۷ رأی باید برای تصویب داشته باشیم این حرفها مصداق پیدا نخواهد کرد از طرف دیگر این اساس نامه همه‌اش باهم ارتباط دارند و باید بآن توجه کنیم.

رئیس- آقا پنج دقیقه بیشتر نمیتوانید صحبت کنید

مشایخی- یکدقیقه دیگر اجازه بفرمائید در ماده ۳۰ گفتیم هر گاه رئیس هیئت مدیره یا قائم مقام او مشورت با صاحبان سهام را لازم بداند می تواند اتخاذ تصمیم را موکول بجلسه دیگری بکند و مقصود این است که شرکت نفت در عین حال که یک شرکت ملی است یک شرکت دولتی هم هست و رئیس هیئت مدیره در این مسائل باید نظر دولت را جلب بکند انتخاب اعضاء با پیشنهاد مدیر عامل و تصویب وزارت دارائی و تصویب هیئت وزیران خواهد بود و این مراحل باعث خواهد شد که اشخاص مفید انتخاب بشوند بنابر این بنحوی که جناب آقای قنات آبادی فرمودند من معتقدم این شرط لازم است و نباید اشخاص مفید را بی جهت طرد کنند

قنات آبادی- بنده اخطار دارم

رئیس- در چه ماده‌ای؟

قنات آبادی - آقای مشایخی در عرایض بنده سوء تعبیری کرده‌اند

رئیس - این خیلی واضح است اجازه بدهید پیشنهاد سرکار قرائت می شود.

(بشرح زیر خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورایملی

پیشنهاد می کنم قسمت اخیر ماده ۳٤ اینطور اصلاح بشود و اعضاء مستعفی هیأت مدیره نمیتوانند دیگر انتخاب بشوند.

شمس قنات آبادی

رئیس - پیشنهاد دیگری رسیده از آقای طباطبائی

(بشرح زیر خوانده شد)

مقام معظم ریاست مجلس شورایملی

پیشنهاد مینمایم ماده ۳٤ بطریق ذیل اصلاح شود اگر در نتیجه بروز اختلاف اکثریت اعضای هیأت مدیره استعفاء کند بجای آنها اشخاص دیگر بر طبق مقررات این اساسنامه انتخاب میشوند.

احمد طباطبائی

رئیس- این هر دو مشابه است میخواهید باین رأی بگیرید و یا بآن ماده (دولت آبادی- هر دو موجب فلج کار میشود)

رئیس- پیشنهاد آقای طباطبائی هم مثل پیشنهاد آقای قنات آبادی است پس بپیشنهاد آقای قنات آبادی رأی می گیریم خوانده میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم قسمت اخیر ماده ۳٤ اینطور اصلاح بشود و اعضای مستعفی هیأت مدیره نمی توانند دیگر انتخاب بشوند.

قنات آبادی

رئیس- آقایانی که با این پیشنهاد موافقند قیام کنند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد دومی خوانده می شود

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم ماده ۳٤ بطریق ذیل اصلاح شود اگر در نتیجه بروز اختلاف اکثریت اعضای هیئت مدیره استعفا کند بجای آن اشخاص دیگر بر طبق مقررات این اساسنامه انتخاب میشوند.

احمد طباطبائی

رئیس- آقای طباطبائی

احمد طباطبائی قمی - عرض کنم ما آمدیم در این اساسنامه تمام اختیار شرکت را دادیم بشش نفر یعنی این ۶ نفری که جنبه فنی دارند و در این شرکت نفت مختار و فعال مایشاء اند (صحیح است) حالا اگر آمد این شش نفر خواستند که یک نظریه‌ای بدهند و آن ۵ نفر دیگر موافقت نکردند اینها ۶ تائی استعفا داده اند نتیجه چیست؟ طبق این ماده منحل است آیا ممکن است ما بیائیم در یک شرکت ملی نفت که مهمترین شرکتی است که در این مملکت داریم و یکی از منابع سرشار عواید این مملکت است تمام اختیار را بدهیم باین شش نفر و اگر آن شش نفر مستعفی شدند این چهار نفر دیگر هم مستعفی تلقی بشوند بروند یک ٤ نفر دیگری بیاورند که مطابق نظر آن شش نفر باشند و هرچه می گویند عمل کنند زیرا اگر باز دومرتبه یک چهار نفر دیگری انتخاب کردند و اینها باز همان نظر را دادند، مطابق نظر این شش نفر باز منحل می گردد و اینقدر دور و تسلسل میشود تا زمانی که نظریه این شش نفر اجرا بشود این درست نیست و بنده میگویم اگر چنانچه کسی استعفا داد از این هیئت یعنی اختلاف نظر دارد دیگر دو مرتبه بیاید یعنی چه؟ یعنی دومرتبه اگر آن اکثریت آمدند باز همان نظریه اولیه است بنده معتقدم باید این کار را طوری بکنید که حالا که اختیار کلی را بدست این ۶ نفر دادیم یک ترتیبی باشد که نتوانند این شش نفر تمام مقاصدشان را اجرا کنند بنده متأسفانه آن موقعی که کلیات مطرح بود نتوانستم بیایم و مطالبی را بعرض آقایان برسانم و بنظر بنده تصویب این پیشنهاد هم بصلاح شرکت نفت و هم بصلاح مملکت است.

رئیس- آقای بوربور.

بوربور- آقایان همکاران محترم در این مورد خیلی دقت بفرمائید و البته مطلب محتاج بدقت هم هست ولی بعقیده بنده افراط در دقت هم گاهی از اوقات اشکالاتی ایجاد می کند بنده تصور میکنم اگر آقایان بعقب بر گردند و بماده ۲۸ نگاه کنند و شرایط انتخاب رئیس هیئت مدیره و هیئت مدیره را ببینند می بینند که این یک تشریفاتی دارد (احمد طباطبائی - عیب سر همین تشریفات است) بنده در این عیبی نمی بینم رئیس هیئت مدیره از بین اشخاصی انتخاب خواهد شد که لااقل ۲۰ سال سابقه خدمات دولتی و اجتماعی داشته باشد راجع باین چنین آدم اگر ما حسن انتخاب داشته باشیم کسی که ۲۰ سال سابقه خدمات اجتماعی داشته باشد و کارهای مهم داشته باشد شخصیت مهم اجتماعی داشته باشد ما باید نسبت باو اعتماد بکنیم خودمان هم یک تشریفات بغرنجی در این انتخاب بعمل نیاوریم و از اول اگر سوء ظن داشته باشیم نسبت برئیس هیئت مدیره که با آن تشریفات انتخاب میشود و اعضای هیئت مدیره که باز با یک تشریفات مفصلی

انتخاب می‌شوند من نمی‌دانم دیگر بحث چیست ملاحظه بفرمائید که این رئیس هیئت مدیره در قسمتی از آن مدت متصدی کارهای مهم مملکتی بوده و نیز دارای اطلاعات کلی در امور مربوط بصنعت نفت باشد این شرایط مال رئیس هیئت مدیره است آنوقت می‌آئیم روی شرایط انتخاب اعضای هیئت مدیره تبصره ماده ۲۸ است اعضای هیئت مدیره پیشنهاد رئیس هیئت مدیره یعنی یک همچو شخصیتی که ما قبول کردیم که این آدم حسابی است پیشنهاد رئیس هیئت و موافقت وزیر دارائی که مسئول قسمت مهمی از امور مملکتی است انتخاب میشوند همین طور که از توی کوچه دستشان را نمیگیریم که بیاوریم و انتخاب بکنیم این اشخاص به پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و موافقت وزیر دارائی و تصویب هیئت وزیران که نخست‌وزیر و ۱۴ نفر وزیر دیگر توی اینکار هستند با این کیفیت این هیئت مدیره انتخاب میشوند این هیئت مدیره در هر امر تجارتی و بخصوص در یک امر صنعتی بزرگ باید با همدیگر تجانس داشته باشد جناب آقای شمس قنات آبادی تجانس که ربطی بمرافقت و موافقت و اینها ندارد تجانس یعنی طرز فکرشان با هم اختلاف فاحشی نداشته باشد اگر چنانچه یک اختلاف فاحشی داشته باشد (قنات آبادی کلمه تجانس این معنی را نمیدهد) پس معنی‌اش چیست؟ (قنات آبادی - به لغت‌نامه آقای آموزگار مراجعه کنید) زیاد ایراد نفرمائید بهرصورت اینجا مقصود این بوده است که اینها اختلاف فکری شدید با همدیگر نداشته باشند اگر احیاناً روی یک موضوعی اختلاف شدیدی پیدا شد و شش نفر که بی‌جهت استعفا نمیدهند تصور نکنید که این شش نفر همان شش نفر رؤسای شرکت باشند درصورتی که ممکن است ۴ نفر از اینها باشند دو نفر از آنها باشد اگر آقایان تصور میفرمایند که این شش نفری که سابقه نفتی دارند اینها همیشه با همدیگر روی هر امری اتفاق نظر دارند این اشتباه است (احمد طباطبائی - فرض می‌کنیم اینطور باشد) فرض صحیح نیست ممکن است سه نفر از این دسته و سه نفر از دسته دیگر مجموعاً یک شش نفری با چهار نفر اختلاف نظر پیدا بکنند حالا اگر ما بگوئیم این چهار نفر بمانند نتیجه این خواهد شد که شش نفر دیگری که میایند ممکن است که نتوانند با آنها کار بکنند و اگر آنها رفتند دست شورایعالی و هیئت مدیره باز است که اینها را اگر مصلحت دانست انتخاب بکند و اگر مصلحت ندانست انتخاب نکند اگر صلاحیت داشتند انتخاب بکند و اگر صلاحیت نداشتند انتخاب نکند به سوابق امر اختلاف مراجعه می‌کند اگر روی توطئه بوده اگر روی اشکالتراشی بوده آنها را دو مرتبه انتخاب نمی‌کنند اگر مطلب روی یک اختلاف نظری بوده روی عقیده بوده که موجب استعفا شده البته حقاً هر کدام اینها را میتواند انتخاب بکند و تازه دلیل نیست که هر شش نفر را انتخاب بکند ممکن است دو نفر انتخاب بشوند و یا چهار نفرشان انتخاب بشوند این تصور آقایان مبتنی بر یک سوء ظن بسیار بسیار شدیدی است درصورتیکه این تشریفات باینترتیبی که اینجا ملاحظه فرمودید یعنی موافقت وزیر دارائی و تصویب هیئت وزیران و فرمان همایونی تمام این تشریفات هست اگر کسی با این تشریفات انتخاب بشود ما نباید این قدر راجع به او سوء ظن داشته باشیم

رئیس - آقای قنات آبادی

قنات آبادی - جناب آقای مشایخی فرمودند که استعفای یک فرد جرم نیست و ما اصل آزادی را نبایستی لگدمال بکنیم من هم تأیید میکنم اما استعفای دسته‌جمعی و اکثریت جرم است بهمین دلیل ما مستعفی های دوره هفدهم که اکثریت قطعی بودند همه‌شانرا مجرم می شناسیم چون اینها توطئه علیه موجودیت مملکت کرده بودند اما چرا یک مطلب اساسی و اصولی را توجه نمیفرمائید اگر شما کلمه اکثریت را بردارید و ما را راحت بکنید حرفی نداریم شما میگوئید اگر اکثریت استعفا کرد هیئت مدیره منحل میشود آخر اکثریت که رأیش قاطع است و حکمش نافذ است هر تصمیمی بخواهد بگیرد میگیرد در چه صورت استعفا می کند شما در موقعیکه میخواهید برای آقایان اعضای هیئت مدیره بتمام مواد استناد میکنید و میگوئید اینها آدمهای خوبی هستند و سوءظن درباره آنها بد است این استدلالی است که در مقابل استدلالی که ما میکنیم و می گوئیم استعفای اکثریت که همه کار میتواند بکند عمل قبیحی است میکند آقایان استعفای اکثریت را عمل صحیحی میدانید آنوقت می گوئید اقلیت هم باید از بین برود و بعد هم دو مرتبه همین هائیکه می توانستند رأی بدهند و هر امری از امور را با رأی قطعی که داشتند انجام بدهند و کار را اداره بکنند اینها دو مرتبه برگردند سر کار خودشان چرا؟ یک مطلبی ما عرض می‌کنیم ما می گوئیم اگر این ماده بهمین صورتیکه در اساسنامه نوشته شده تصویب بشود منظور فقط می تواند این باشد که هر وقت اقلیت خواست اطاعت نکند اکثریت استعفا میدهند و این اقلیت خود بخود مستعفی است اگر اصل آزادی را قبول دارید این جا هم قبول داشته باشید اگر کسی معتقد باصل آزادی است بایستی بنظر اقلیت هم احترامی بگذارد نه چوب بردارد اقلیت را بکوبد و استعفای دسته‌جمعی اکثریت بزرگترین کتک زدن باقلیت است هیچ جای دنیا این کار را نمیکنند بنا بر این صحبت سوءظن به هیئت مدیره و این اشخاص و این عناصر نیست بنده و آقایانیکه این طور فکر میکنند این مطلب را عرض میکنم که خود نفس این عمل قبیح است که اکثریت با استعفای دسته‌جمعی همیشه فکر اقلیت را ترور بکند (دکتر رضائی - چه ضرورتی دارد) هیچ (پرفسور اعلم - اکثریت چرا استعفا بدهد او حاکم است)

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود

(بشرح سابق خوانده شد)

آقایانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگری باز در این ماده هست که قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ریاست معظم مجلس شورایملی

پیشنهاد مینماید که در ماده ۳۴ کلمه اکثریت بجمله (۸ نفر از اعضاء) تبدیل گردد - بهبودی

عماد تربتی - پیشنهاد بنده هم در حدود پیشنهاد آقای مهندس بهبودی بود اگر توأم با همدیگر بشود نظر بنده با پیشنهاد آقای مهندس بهبودی تأمین شده است دیگر عرضی ندارم

رئیس - بلی هر دو مشابه است پیشنهاد آقای عماد تربتی هم قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می‌نماید ماده ۳۵ اینطور اصلاح شود. بجای اکثریت (اکثریت دو ثلث) نوشته شود - عماد تربتی

رئیس - آقای بهبودی

مهندس بهبودی - گرچه بعقیده بنده اصولا ماده ۳۵ ضرورت نداشت و اکثریت همیشه حاکم است و با استدلالاتی که مخبر محترم فرمودند که ممکن است یکنفر یا دو نفر بمنظور کارشکنی بخواهند اخلال در امور بکنند برای اینکه دست اعضای هیأت مدیره هم تا حدی باز باشد و در موقع مقتضی بتواند هیأت مدیره را تجدید بکند این است که بنده پیشنهاد کردم بجای اینکه اکثریت یعنی ۶ نفر از ۱۱ نفر اگر استعفا بدهند هیأت مدیره بطور کلی مستعفی تلقی بشود اینطور ماده اصلاح شود اگر هشت نفر از ۱۱ نفر استعفا کردند هیأت مدیره مستعفی تلقی بشود و تجدید انتخابشان هم فکر میکنم مانعی نداشته باشد

رئیس - آقای بهبهانی موافقید؟

بهبهانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

بهبهانی - عرض کنم که بنظر بنده اصلا ماده خودش سوء ظن ایجاد میکند گذاشتن این ماده در این قانون خودش سوء ظن ایجاد میکند جناب آقای بوربور فرمودند چرا سوءظن دارید جهتش این است که اگر این ماده نبود یک امر طبیعی بود در هیأت‌های مدیره اگر چند نفر استعفا میدادند خوب میرفتند یک کس دیگری میآمد این معلوم میشود که یک کاری میخواهد بشود یک چیزی هست که اگر یک عده‌ای استعفا دادند آن چند نفر دیگر هم استعفا بدهند حالا فرض بفرمائید که دو نفر یا سه نفر آمدند در هیئت مدیره با یک ماده‌ای با یک عملی که این اکثریت میخواستند انجام بدهند مخالفت کردند حرفشان هم درست بود اکثریت هم تحت تأثیر القائات خارجی واقع شد و آمدند استعفا کردند برای اینکه آن دو سه نفری که موی دماغ هستند آنها را رد بکنند باز دو مرتبه اینها از طرف آن اشخاصی که انتخاب می‌شوند بیایند سر جایشان آن کاری را که میخواهند انجام بدهند این چه حقی است این چه ماده‌ای است که اگر چند نفر نخواستند کار بکنند آن دو سه نفر دیگر هم مستعفی بشوند پس من خیال میکنم اصل خود این ماده ایجاد سوء ظن میکند و بنده مخالفم که اکثریت اگر استعفا دادند آن اقلیت هم مجبور بشوند که استعفا بدهند اصلا این مخالف تمام اصول است اگر چند نفری نخواستند کار بکنند آن عده دیگر چرا مجبور بشوند استعفا بدهند جناب آقای پرفسور برای چه استعفا بدهند؟ (پرفسور اعلم - بنده خودم هم مخالفم با این ترتیب) بنده هم میدانم چون مخالفید عرض کردم

رئیس - آقای مهندس هدایت

مهندس هدایت - آقایان توجه بفرمایند که اصولا در قانون تجارت اگر اکثریت هیأت مدیره‌ای استعفا بدهد آن هیأت مدیره مستعفی است حالا همان را اینجا ذکر کردند ولکن اگر توجه بفرمائید که تصویب فرمودید که برای تشکیل هیأت مدیره لااقل هشت نفر مورد لزوم است و از آن هشت نفر اقلا شش نفر باید رأی بیک موضوع بدهد بنابراین پیشنهادی که جناب آقای مهندس بهبودی فرمودند بنظر من رفع نگرانی خاطر آقایان را خواهد کرد که آن شش نفر که اکثریت هیأت مدیره را از این ۱۱ نفر تشکیل میدهد یک روزی تصمیم میگیرند که استعفا بدهند برعلیه آن چهار نفر یا پنج نفر دیگر و بنابراین چون هشت نفر گذاشته شده لااقل باید یکنفر دیگر از آن دسته دیگر داشته باشند که آن شش نفر با رئیس هیأت مدیره اگر استعفا بدهند یکنفر دیگر از آن چهار نفر غیر از اعضای شرکت نفت انتخاب میشود او هم باید استعفا بدهد و این خود رفع نگرانی خاطر بعضی از آقایان را خواهد کرد و بنظر من چون تشکیل جلسه با هشت نفر است و اگر ۸ نفر حاضر نباشد جلسه اصولا تشکیل نمیشود این است که اگر پیشنهاد آقای مهندس بهبودی را قبول بفرمائید هیچگونه ضرری ندارد و خاطر آقایان راحت خواهد شد

رئیس - پیشنهاد آقای عماد تربتی که دو ثلث است همان هشت نفر می شود

اگر دو ثلث نوشته شود بهتر است

مشایخی - بنده با پیشنهاد آقای عماد تربتی و آقای بهبودی موافق هستم

پرفسور اعلم - بنده مخالفم

رئیس - پیشنهاد آقای تربتی و مهندس بهبودی باهم یکی شده قرائت می‌شود

(بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۳۴ اینطور اصلاح شود:

بجای اکثریت اکثریت دو ثلث (۸ نفر) نوشته شود

عماد تربتی

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

۳- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ

رئیس - آقای وزیر فرهنگ

وزیر فرهنگ (دکتر مهران) - بطوریکه آقایان نمایندگان محترم مستحضرند پرفسور ادوارد براون یکی از دانشمندانی بود که به فرهنگ و ادب و زبان فارسی خدمت قابل توجهی کرده است (صحیح است) مطالعات و تحقیقات ایشان مورد استفاده عموم دانشمندان است (صحیح است) دولت بپاس قدردانی از این مرد بزرگ در نظر گرفته است که بورسی بقرار ماهی پنجاه لیره انگلیسی در اختیار دانشگاه کمبریج قرار بدهد که این دانشگاه این بورس را بکسی اختصاص بدهد که بخواهد بطور مستمر درباره ادبیات و زبان فارسی مطالعه و تحقیق بکند (نمایندگان - بسیار خوب است) باین منظور لایحه‌ای تهیه شده است که تقدیم مجلس شورای ملی میشود (نمایندگان بسیار کار خوبی است)

رئیس - بکمیسیون فرهنگ فرستاده می‌شود

۴- تقدیم لایحه بودجه ۱۳۳۹ مجلس شورای ملی بوسیله آقای افخمی کارپرداز

رئیس - آقای افخمی

افخمی - بودجه سال ۱۳۳۹ مجلس شورای ملی را تقدیم میکنم ضمناً در بعضی از جراید نوشته بودند که آقایان نمایندگان بحقوق خودشان اضافه کرده‌اند خواستم این مطلب را تذکر بدهم که بحقوق آقایان نمایندگان مجلس دیناری افزوده نشده است (احسنت)

۵- طرح گزارش کمیسیون نفت راجع باساسنامه شرکت ملی نفت از ماده ۳۴ تا ۵۷

رئیس - ماده ۳۴ که پیشنهادش تصویب شد بخود ماده رأی گرفته نشد آقایانیکه با ماده ۳۴ با این اصلاحی که بعمل آمد موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۵ مطرح است قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۵ - جلسات هیأت مدیره اقلا ماهی یکبار و جلسات فوق العاده برحسب ضرورت تشکیل خواهد

رئیس - مخالفی نیست؟ آقایانی که با ماده ۳۵ موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۶ قرائت می‌شود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۶ - دعوت جلسات عادی و فوق العاده و اداره جلسات هیئت مدیره و اجرای مصوبات و تصمیمات از وظایف رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل می‌باشد.

رئیس - رأی گرفته می‌شود به ماده ۳۶ آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۷ قرائت می شود.

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۷ - صورت مذاکرات هیئت مدیره در دفتر مخصوصی ضبط شده و بامضای رئیس خواهد رسید هر قسمت از مذاکرات که هیئت مدیره آنرا محرمانه تلقی کند محرمانه بودن آن باید در صورت جلسه قید شود

رئیس - رأی گرفته می‌شود به ماده ۳۷ آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۳۸ قرائت می‌شود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۸ - هیئت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای همه گونه اختیار برای اجرای وظایف مصرح در ماده ۴ این اساسنامه میباشد وظائف خاصه هیئت مدیره بقرار زیر است:

الف - تصویب برنامه عملیات شرکت بطور کلی مخصوصاً برنامه مربوط بامور زیر:

۱- عملیات اکتشاف اعم از زمین شناسی و ژئوفیزیک حفاریهای اکتشافی و تولیدی.

۲- نصب و بکار انداختن و نگاهداری دستگاههای تولید و خطوط لوله و انبارهای نفت خام و محصولات نفتی و وسائل باربری و بارگیری و بار اندازی و تأسیسات مربوط به تهیه محصولات مختلف از نفت خام و گاز طبیعی بانضمام فرآورده‌های شیمیائی و صنعتی و تأسیسات مربوط به پخش و فروش محصولات مزبور

۳- اجازه انعقاد قراردادها برای انجام عملیات مزبور.

۴- تعیین سیاست کلی فروش و پخش و صدور نفت خام و مواد نفتی و تعیین قیمت فروش بنزین موتور - نفت و نفت گاز و نفت کوره برای مصرف داخلی (با موافقت شورایعالی و تصویب هیئت وزیران)

۵- تعیین سایر قیمتها

۶- اعطاء تخفیفات متعارف بازرگانی

۷- اجازه تحصیل هر نوع مال و حقوق و منافع و خرید ماشین آلات و ملزومات و هر نوع کالا برای رفع احتیاج شرکت

۸- اخذ و پرداخت وجوه و باز کردن حساب در بانک های داخلی و خارجی اجازه تحصیل و دادن اعتبار طبق مقررات شرکت.

۹- دادن اختیار برای سازش و تعیین داور در مورد مسائل مطروحه در دادگاه ها و بطور کلی هر اقدامیکه برای حفظ حقوق شرکت لازم باشد.

ب - تعیین خط مشی عمومی شرکت و برنامه و شرائط کلی فروش نفت و صدور نفت و محصولات نفتی و پیشنهاد آن به شورای عالی.

ج - تصویب بودجه تفصیلی شرکت برطبق بند الف ماده ۲۵

د - تنظیم کلیه آئین نامه‌های استخدامی و اداری و مالی و فنی و غیره شرکت و تقدیم آن به شورایعالی برای تصویب

ه - تنظیم طرحها و برنامه های کارآموزی و تعلیم صنعتی و حرفه‌ای

و - اخذ تصمیم نسبت بتشکیل یا انحلال شرکتهای فرعی و تابعه با تصویب شورایعالی

ز - اعمال کلیه حقوق شرکت در شرکتها و شعب و عاملیتها و سایر مؤسسات مربوطه.

ح - تهیه گزارش هیئت مدیره و ترازنامه سالانه و حساب سود و زیان برای تقدیم بمجمع عمومی و تعیین دستور جلسه مجمع عمومی.

رئیس - آقای مهران

احمد مهران - وقتی بنده بماده ۳۸ توجه کردم دیدم در ضمن اختیارات و وظایف هیئت مدیره فقط اکتفا کرده است باینکه در «ه» بگوید «تنظیم طرحها و برنامه های کارآموزی و تعلیم صنعتی و حرفه‌ای» و بنده معتقدم در کار شرکت نفت بهیچوجه من الوجوه ذکر این دو جمله بمنظور بسط تعلیمات کافی نیست مدتها بود پی فرصتی میگشتم که یک نکته مهمی را که عقیده شخص بنده است این جا عرض کنم که شرکت نفت اولا در کار تعلیم و تربیت کارشناس و سرکارگر و کارگر تا این دقیقه کوچکترین توجهی نکرده است بطوری که خاطر محترم آقایان مستحضر است صاحبان صنایع بطور کلی در کار تربیت اشخاصی که مورد احتیاجشان هست کوشش مخصوصی میکنند و از بذل هر گونه بودجه و تسهیلاتی در این خصوص خودداری نمیکنند بخصوص صاحبان صنایع سنگین نظیر فولادسازی نظیر نفت و امثالهم در دنیا یکی از توجهات مخصوصی که بصرفه‌شان هست این است که اشخاصی که لازم دارند تربیت بکنند و این تأثیر بسزا در کار تعلیمات حرفه‌ای آن مملکت خواهد داشت ذکر یک جمله که خواندم بطوریکه ملاحظه فرمودید در این خصوص بهیچوجه کافی نیست اگر توجه بفرمائید یک تاریخچه مختصری را هم عرض میکنم شرکت سابق نفت در سال ۱۳۰۵ و ۶ و ۷ سالی ۲ نفر برای کارشناسی نفت بخارج اعزام کرد و برخلاف آنچه تصور میرود بنده نام آنها را ذکر می‌کنم چون یکی از زعمای شرکت نفت هستند و با ذکر این نام میخواهم نسبت ببیان حقیقی که میکنم استدلال کنم شرکت نفط در سال ۱۳۰۵ آقای دکتر شیوا و مهندس فتح‌الله نفیسی را بخارج فرستاد در سال ۱۳۰۶ دکتر فلاح و مهندس اتحادیه را فرستاد و در سال ۱۳۰۷ که بنده در همین سال موفق به اخذ تصدیق متوسط شده بودم مهندس عباس پرخیده و مهندس ابوالحسن راجی را فرستاد ولی مطلبی که آمدم اینجا عرض کنم این است که بعد از ۱۳۰۷ دیگر اعزام سالی ۲ نفر را بخارج بکلی قطع کرد و تا تاریخی که شرکت سابق نفط در این مملکت فعالیت داشت یکنفر را دیگر بخارج اعزام نکرد ولی آقایان ملاحظه بکنید اگر شرکت سابق نفط لااقل نسبت اعزام همین سالی ۲ نفر اقدام میکرد الان ما شاید پنجاه شصت نفر کارشناس در عداد دکتر فلاح و در عداد مهندس نفیسی و سایر آقایانی که اسم بردم داشتیم ولی متأسفانه اینکار را نکرد میخواهم معکوس این را نتیجه بگیرم و بگویم اگر نسبت ببسط تعلیمات در کار شرکت نفط و تربیت کارشناس توجه کنیم امروز هم پشت بزرگترین میزهای شرکت نفط کارشناسان ایرانی و مهندسین ایرانی خواهند نشست این در قسمت کارشناسی ولی شرکت بعد از کنسرسیوم که بنده اینجا تشکر میکنم از کنسرسیوم و شرکت ملی نفط آمدند یک انستیتو در دانشکده فنی تأسیس کردند و یک تکنیکال کالج در آبادان بنده برای این ۲ اقدام بسیار متشکرم اما عقیده‌ام این است که این اقدامات بهیچوجه کافی نیست باید شرکت نفط دانشکده عالی نفت تأسیس بکند (صحیح است) که آن دانشکده بتواند کارشناسان طراز اول ایرانی تربیت بکند (صحیح است) از این گذشته مدارس یکدرجه پائین تر و کالجهای به اصطلاح متوسط تشکیل بدهد که اینها قادر باشند سرکارگر و کسانی که کارهای نفتی را اداره بکنند، آقای هنجنی، این ها تربیت بشوند و همینطور مدارس پائین تر که کارگر عادی یعنی کارگر ماهر برای کار نفت و باصطلاح اسکیل دیده تربیت بشود و اینها در سازمان نفت کار بکنند یعنی اینطور میخواهم عرض بکنم در جنب پیشرفت کار نفت باید یک دستگاههای تعلیماتی مجهز و منظم وجود داشته باشد که دستگاهها قادر باشند خوراک این تشکیلات عظیم را از حیث پرسنل فنی تأمین بکنند با این مقدماتی که

عرض کردم بطوریکه درماده ۳۸ ملاحظه میفرمائید دو جمله ذکر شده که تنظیم طرحها آنهم برای کار اموری اصلا نسبت بتربیت و تعلیم دادن بافراد ایرانی که کارنفت رابطور کلی اداره کنند ومحیط بردستگاه نفت باشند ذکری نشده بنده دراینجا هیچ اثری ازیک همچو اقدام بسیار لازمی نمی‌بینم وبهمین جهت با ماده ۳۸ مخالفم (دولت آبادی- درماده ۶۴ این نظر تأمین شده) درماده اخیرهم یک نام مختصری از یک کلمه فرهنگ برده شده باین معنی که نوشته شده است « شرکت مکلف است درتهیه مسکن ووسائل سلامت و آسایش وکارمندان وکارگران شرکت و حفاظت آنها درمقابل حوادث اهتمام نماید ومخصوصا درمورد تأسیسات فرهنگی و بهداشتی و فراهم نمودن کمکهای اجتماعی با توجه بمقررات قوانین کار وسازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران درتمام حوزه‌های عملیات خود با تنظیم و اجرای برنامه های سالیانه اقدام بعمل آورد » جناب آقای دولت آبادی این ماده هم بهیچوجه منظور بنده را تأمین نمیکند یعنی احتیاج مملکت با ذکر این جمل که مربوط بحوادث اجتماعی است بر آورده نمی‌شود بنده این طور میخواهم عرض کنم ومرخص بشوم که شرکت نفت از جمله تشکیلات قطعی واساسی و گسترده‌ایست که دراین مملکت میتواند در بسط تعلیمات حرفه‌ای کشور تأثیر بسزا داشته باشد وباید هم داشته باشد (صحیح است) بنابراین پیشنهادی تقدیم کرده‌ام که بنام تبصره‌ای است ذیل ماده ۳۸ که درآن تقاضا کرده‌ام پیش بینی کرده‌ام که درتربیت کارشناسان درجه اول وسرکارگر وکارگر و بسط انستیتوی تهران وتکنیکال کالج آبادان وبسط وتوسعه تعلیمات حرفه‌ای وابسته بصنایع نفت شرکت ملی نفت باید اقدام بکند درپایان بنده یک چیزی میخواهم عرض کنم آقایان در صورت آماری که روی آن عده وکلا تعیین شده بود توجه فرموده‌اند درآن صورت جمعیت آبادان به ۴۸۰ هزار نفر بالغ بود درسایر مناطق نفت‌خیز جمعیت بهمین ترتیب توسعه دارد وروبه توسعه است این عده بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید مدرسه میخواهند باید در بالا بردن سطح تعلیمات عمومیشان کوشش کرد این جمعیت برای چه کاری آنجا جمع شده‌اند؟ این جمعیت برای کار نفت آنجا جمع شده‌اند بنابراین باید شرکت نفت که موجب تجمع این عده درآنجا شده نسبت به گسترش و بسط تعلیمات مناطق کوشش وبطور جدی اقدام بکند وبالنتیجه فرزندان ایرانی که درآن منطقه بسر میبرند از بهترین وسایل آموزش وپرورش عمومی وحرفه‌ای بر خوردار باشند بنده خیلی معذرت میخواهم تصدیعم طولانی شد ولی عرض کردم مدتها بود که پی این فرصت میگشتم که این حقایق را عرض کنم. و بهمین جهت بود که همین اخیراً دوسه سال اخیر شرکت نفت قراردادی با تأسیسات فرهنگ بست و کنسرسیوم حاضر شد نصف مخارج مدارس جدیدی که بدلیل افزایش جمعیت در مناطق نفت خیز لازم است بپردازد وبنده دراین پیشنهادم پیش بینی کردم واستدعا کردم که شرکت نفت مکلف است کلیه مخارج مربوط به بسط تعلیمات را باتشریک مساعی وزارت فرهنگ وبا نظر وزارت فرهنگ پرداخت بکند و هرساله دربودجه‌اش اگرهمه این مخارج را نمی‌پردازد لااقل یک مقداری از این مخارج را تعهد بکند وبپردازد.

رئیس- آقای مهندس بهبودی

مهندس بهبودی- با فرمایشات جناب آقای مهران بنده دیگر عرضی ندارم.

رئیس- آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری- بنده درمطالعه‌ای که دربند های مربوط به اختیارات هیئت مدیره الان کردم دیدم در قسمت چهارش که مربوط به بهای نفت وبنزین وامثال آن است با تطبیق بابند ۵ ماده ۲۴ که مربوط بوظایف شورایعالی است بنظرم آمد جناب آقای مخبر که یک اختلافی در آن هست از این جهت بود که چون آن ماده تصویب شده بود خواستم این مطلب را اینجا تذکر داده باشم که اگر بنظرتان این اختلاف وارد است این یک اصلاحی بشود دربند ۵ ماده ۲۴ که تصویب شد ذکر شده « بررسی و تصویب هر گونه تغییری دربهای فروش بنزین موتور- نفت نفت گاز ونفت کوره برای تأمین احتیاجات داخلی کشور به پیشنهاد هیئت مدیره » این را دراختیار شورایعالی گذاشتیم بنابر این یعنی این اختیار این است که فقط شورایعالی میتواند تغییر دربهای نفت بدهد دراینجا البته بپیشنهاد هیئت مدیره فقط ، چون گفتیم بپیشنهاد هیئت مدیره پس وظیفه‌ای که برای هیئت مدیره هست این است که او میتواند درتغییر بهای نفت که طبق ماده ۲۵ است فقط پیشنهاد بکند ولی اینجا اولا یک اضافه‌ای شده است باتصویب هیئت وزیران بنده نفهمیدم آنوقت این چه جوری می‌شود دربند چهار می گوید این کار از وظایف هیئت مدیره است، درتعیین سیاست کلی فروش وپخش وصدور نفت خام ومواد نفتی و تعیین قیمت فروش » ، تعیین یعنی چه؟ او حق تغییر ندارد تعیینش باشورایعالی است که ماقبلا تصویب کردیم او باید پروژه را تهیه بکند برای تقدیم بشورایعالی یعنی پیشنهاد بدهد نه تعیین آنوقت با وجود این توی پرانتز گذاشته است « باموافقت شورایعالی وتصویب هیئت وزیران » یعنی چه؟ شما اختیار تغییر بهای نفت و انواع آنرا قبلا تصویب کردید ودادید بشورای عالی و آنوقت دراین ماده آمده‌اید این اختیاری را که درآنجا دادید بشورایعالی اینجا بهیئت مدیره میدهید درست متناقض این اختیاررا در اینجا میدهید بهیئت مدیره می گوئید باموافقت شورایعالی وتصویب هیئت وزیران اگر نظر تصویب هیئت وزیران است خوب بود که درهمانجا که برای شورای عالی دربند ۴ گفتیم همین همان رامیگذاشتیم حالا که بطور مطلقی اختیار این تغییر قیمت وتصویب را بشورایعالی قبلا دادیم دیگر درینصورت درهیئت مدیره ذکری از تصویب هیئت وزیران وذکر ازاین که او تعیین قیمت بکند وموافقت شورایعالی را بگیرد این صحیح نیست بلکه متناقض است ومخالف است باآن ماده‌ای که قبلا مجلس شورای ملی تصویب کرده خواستم دراینجا این نقص را که دیدم بعرض مجلس شورای ملی برسانم که وجود این تناقض صحیح نیست در یک قانونی که دریک مورد هست و در یک موضوع اساسی بدو دسته که از ارگانهای شرکتی هستند وجود داشته باشد.

رئیس- آقای صدرزاده

صدرزاده- بنده نسبت بپیشنهاد آقای مهران می‌خواهم صحبت کنم بعنوان موافق باپیشنهاد

رئیس- دیگر کسی اجازه صحبت نخواسته پیشنهادات قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می‌نماید تبصره ذیل بماده ۳۸ اضافه شود.

تبصره- هیئت مدیره شرکت ملی نفت مکلف است باتشریک مساعی ونظر وزارت فرهنگ نسبت بایجاد وتوسعه دستگاه های تعلیماتی اعم ازحرفه‌ای مربوط بصنایع نفت وبالابردن سطح تعلیمات عمومی مناطق نفت خیز بمنظور آموزش وپرورش کارشناسان وسرکارگران وکارگران ایرانی اقدام نماید بخصوص نسبت بتوسعه انستیتوی تهران و کالج آبادان بانظر وزارت فرهنگ اقدام لازم معمول دارد، اعتبارات مربوط باین گونه اقدامات آموزشی همه‌ساله دربودجه شرکت تأمین وبمصارف خود خواهد رسید.

احمد مهران

رئیس- آقای مهران

احمد مهران- بنده توضیحاتم همان بود که در مخالفت باماده ۳۸ عرض کردم.

رئیس- آقای صدرزاده

صدرزاده- بنده موافقم

رئیس- اینکه پیشنهاد کرده‌اید شرکت ملی نفت هرسال دربودجه مربوطه منظور کند ودربودجه خودش بگذارد اگر از پول دولت است خود وزارت فرهنگ پول بگذارد و دربودجه خودش منظور بکند چه لزومی دارد که شرکت ملی نفت بگذارد وبنده ملتفت نشدم بفرمائید توضیحی اگر دارید بفرمائید

احمد مهران- همانطور که عرض کردم کمتر کارخانه مهم ومفصلی است در دنیا که بودجه اش اعتباری برای بسط تعلیمات بطور کلی وتربیت افرادی که مورد احتیاجش هست نداشته باشد من خیال می کنم اگر درمملکت ما کارخانه عظیمی وجود داشته باشد واگر هم پولی دربودجه اش گذاشته باشد بتناسب پهنا و گسترشش نا چیز است شرکت نفت ما است درخارج همه کارخانه‌ها به تعلیمات کمک میکنند ولی در اینجا خیر مثلا در اصفهان از اینهمه کارخانه‌ها هیچکدام بتعلیمات کمک نمیکنند ولی درموقع لزوم هم عالیترین کارگر را از دستگاه فرهنگی مملکت تقاضا دارند وطلب میکنند اگر بخواهیم وارد کارهای مهم صنعتی بشویم ما هم اینکار را باید بکنیم کارخانجات ما باید بدستگاههای فرهنگی کمک بکنند مخصوصا شرکت نفت که باین همه کارشناس متنوع احتیاج دارد باید کوشش بکند مدارس آنها را بوجود بیاورد کمک بکند تا این کارها بنفع خودش بخوبی انجام بشود این که بنده عرض کردم اعتبار لازم دربودجه اش بگذارد برای این است که در واقع شریک باوزارت فرهنگ بشود یعنی همیشه وزارت فرهنگ یک مبالغی کمک میکند و توسعه میدهد بفرهنگ شرکت نفت از این اقدام مفید وسودمند بی نصیب نماند آن هم بایستی بدهد ودرواقع کار دنیا پسندی است این است که استدعا میکنم پیشنهاد بنده را اگر تصویب بفرمائید نتیجه قطعی ومسلمش توسعه همه گونه تعلیمات درمناطق نفت خیز خواهد بود بسته بنظر آقایان است.

رئیس- آقای مشایخی مخبر کمیسیون توضیحی دارید بفرمایند

مشایخی- بنده یک مرتبه پیشنهاد جنابعالی را قرائت میکنم « تبصره هیئت مدیره شرکت ملی نفت مکلف است باتشریک مساعی ونظر وزارت فرهنگ نسبت بایجاد وتوسعه دستگاههای تعلیماتی اعم ازحرفه‌ای مربوط بصنایع نفت وبالابردن سطح تعلیمات عمومی مناطق نفت خیز بمنظور آموزش و پرورش کارشناسان وسرکارگران وکارگران ایرانی اقدام نماید بخصوص توسعه انستیتوی تهران وکالج آبادان بانظر وزارت فرهنگ اقدام لازم معمول دارد اعتبارات مربوط به اینگونه اقدامات آموزشی همه‌ساله دربودجه شرکت ملی نفت تأمین وبمصارف خود خواهد رسید » بنده با اساس پیشنهاد جنابعالی صد درصد موافقم ومی بینم که همکاران محترم هم موافقت دارند چون نظر جنابعالی این است که صنعت نفت در کشور ما متخصص پیدا بکند وهمینطور دررشته های متعدد مربوط به آن بالاخره یک عده تربیت بشوند وبی نیاز بشویم از کارگران خارجی وهمچنین مدارس توسعه پیدا بکند ویک شخصیتهای علمی درصنعت نفت داشته باشیم بسیار حرف حسابی است گرچه بنحوی که جناب آقای دولت آبادی فرمودند درماده ۶۴ تا حدی این مطلب گفته شده است ولی باین صراحت نیست و بنده قبول میکنم پیشنهاد جنابعالی را ولی راجع بقسمت اخیرش که پیشنهاد فرمودید اعتبارش تأمین ودربودجه شرکت گذاشته شود جناب آقای مهران میخواهم توجه شما را باین قسمت جلب کنم که شرکت نفت هم مثل وزارت فرهنگ بودجه‌اش از بودجه کشور است یعنی شرکت نفت سال گذشته ۲۰ میلیون دلار بودجه‌اش را ازبودجه کشور ازدرآمد نفت همانطور هم وزارت فرهنگ یک قسمتی از بودجه کل کشور استفاده کرده بنابراین بنحوی که جناب آقای رئیس فرمودند این پول باید بمصرف این کارها برسد اعم ازاینکه در بودجه وزارت فرهنگ گذاشته شود یا در بودجه شرکت نفت گذاشته شود فرقی ندارد (صدر زاده- حقوق هیئت مدیره را از کجا میدهد این را هم ازهمان محل بدهد) حقوق هیئت مدیره جزء هزینه‌های شرکت است و همینطور سایر هزینه‌ها همینطور که هر دستگاهی یک سازمانی دارد بنابراین بنده میخواستم بعرض جنابعالی برسانم واز آقا تقاضا بکنم که چون بودجه این کار از بودجه کل مملکت تأمین می‌شود و باید این کار درمملکت انجام بشود بنا براین موافقت بفرمایند که قسمت آخر پیشنهاد بعد از جمله اخیر کالج آبادان بانظر وزارت فرهنگ اقدام لازم معمول دارد که نظر جنابعالی را هم تأمین می کند بقیه آن حذف شود و با این کیفیت ملزم می شوند که در امر فرهنگ باهمدیگر تعاون داشته باشند وهمکاری بکنند اعتبارات مربوط باین کار را هم درحدودی که وزارت فرهنگ می تواند در بودجه خودش میگذارد وقسمتی را که شرکت نفت میتواند در بودجه خودش بگذارد تصور می کنم که باین ترتیب مصلحت باشد.

احمد مهران- بنده باحذف قسمت اخیر پیشنهاد خودم موافقم

رئیس- آقای مهدوی

مهدوی- مهدوی بنده البته بانظر آقای مهران موافقم اما این مطلب هم نا گفته نماند که شرکت ملی نفت دوسه سال است این کار را شروع کرده است و بنده در خراسان سابقه دارم درخود مشهد هست شنیدم درچند مرکز استان یک مدارس حرفه‌ای راجع بنفت دائر کرده‌اند و دارند ساختمانهائی میکنند وشاگردها را در پانسیون قبول میکنند واز این حیث مطمئنا باوزارت فرهنگ هم تماس دارند در بودجه خودشان هم تأمین شده است (مهندس اردبیلی درخراسان هست؟) بله هست (مهندس اردبیلی- در آذربایجان که نیست) در آذربایجان هم دائر می کنند بنده اطلاع دارم و باین جهت بنده ازخود آقای انتظام هم تشکر میکنم که خیلی باین کار علاقمند است و این نظر آقا تأمین است.

رئیس- آقای صدرزاده

صدرزاده- عرض کنم بنده خودم در کمیسیون سازمان برنامه بودم ویک تجربه تلخی از آنجا دارم وآن این است که یک ارقام بسیاری ازعایدات صرف متخصصین ومشاورین خارجی می‌شود در صورتی که اگر افراد متخصص داشتیم شاید باثبت آن حقوق و بلکه ربع آن حقوقها میتوانستیم ازوجود آنها استفاده بکنیم وآنها هم در کمال رضایت بودند بنده خیلی تعجب میکنم چطور شرکت نفت می‌تواند برای تمام مخارج خود بودجه ببندد اما برای قسمت فرهنگ نمی‌تواند ببندد چرا؟ همانطوری که برای هیئت مدیره حقوق معین میکند برای اعضاء شورایعالی حقوق معین میکند یک قلمی هم از بابت فرهنگ برای تربیت متخصص ومهندس درآنجا بگذارد بعلاوه شما دراین قانون ذکر کردید براینکه هرسال یک عده محصل را شرکت نفت بامخارج خودش بفرستد باروپا برای اینکه تحصیلات بکنند وبیایند ازوجود آنها استفاده بشود آنوقت انتظار بکشیم که این رقم دربودجه کل کشور منظور بشود ازبودجه کل بیاید به بودجه وزارت فرهنگ این کار عملی نیست همان رقم عایداتی که برای بودجه نفت منظور می‌شود وقتی ارقامش را که می‌خواهند بنویسند وبجزء بنویسد تمام آن قسمتی را هم که برای فرهنگ است متناسب با بودجه‌ای که دارند منظور بدارند اما بفرمائید بنده ببینم وقتی که می‌خواهید ساختمان بیست میلیونی بکنید باید دربودجه منظور شود آنوقت لازم نیست که بودجه‌اش دربودجه کل ذکر شود ولی برای اینکه دو سه میلیون بدهید که چند نفر تحصیل بکنند. این منظور نشود بنده نمیدانم این چه صورتی دارد بنده استدعا می کنم ازحضور آقایان که بااین پیشنهادی که جناب آقای مهران فرمودند که درحقیقت کمک بفرهنگ است که شرکت نفت میتواند نتیجه مستقیم از این بگیرد موافقت بفرمائید.

رئیس- پیشنهاد قرائت می‌شود که رای گرفته شود باحذف آن قسمت آخر که خود آقای مهران موافقت کردند.

(بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد مینماید تبصره ذیل بماده ۳۸ اضافه شود.

هیئت مدیره شرکت ملی نفت مکلف است باتشریک مساعی ونظر وزارت فرهنگ نسبت بایجاد وتوسعه دستگاههای تعلیماتی اعم ازحرفه‌ای مربوط بصنایع نفت وبالا بردن سطح تعلیمات عمومی مناطق نفت خیز بمنظور آموزش وپرورش کارشناسان و سرکارگران وکارگران ایرانی اقدام نماید مخصوصا نسبت به توسعه انستیتوی تهران و کالج آبادان بانظر وزارت فرهنگ اقدام لازم معمول دارد.

احمد مهران

رئیس- آقایانی که بااین پیشنهاد موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می‌نمایم بند چهارماده مزبور اینطور اصلاح شود : تعیین سیاست کلی فروش وپخش وصدور نفت خام ومواد نفتی وتهیه پیشنهاد فروش بنزین موتور ، نفت و نفت گاز ونفت کوره برای مصرف داخلی بمنظور بررسی وتصویب شورایعالی.

عمیدی نوری

رئیس- آقای عمیدی نوری.

عمیدی نوری- پیشنهادی که بنده دادم مضمون همان ماده ۲۴ است که آقایان تصویب فرمودید راجع باختیارات شورای عالی تصویب فرمودید که قیمت نفت وبنزین ومشتقات آنرا شورای عالی نفت می‌تواند تغییر بدهد بنده میگویم دراین بند چهار دیگر متناقض با او نکنیم چون دربند چهار گفته است قیمت را هیئت مدیره تعیین می کند باموافقت شورایعالی وتصویب هیئت وزیران اولا تصویب هیئت وزیران تا بحال نبود شورای عالی نفت تعیین نمی کرد ثانیا موافقت شورایعالی نبود باتصویب شورای عالی بود این قسمت است که بنده حذف کردم آن پرانتز را که می‌نویسد با موافقت شورایعالی و تصویب هیئت وزیران وبجای تعیین قیمت نوشته ام تهیه پیشنهاد مربوط به قیمت از طرف هیئت مدیره بنابراین این تناقض وابهام را رفع کردم وبنده نمی دانم تصویب هیئت وزیران در اینجا چیست اگر تصویب هیئت وزیران را میخواهید بگذارید میبایست درجای خودش در ماده مربوط به شورایعالی بگذارید نه در اینجا در اینجا فقط هیئت مدیره میتواند پیشنهاد بدهد پیشنهاد کننده که نمیتواند عمل دیگری انجام دهد شما قبلا رای دادید که تغییر قیمت و تعیین بها با شورایعالی وتصویب هیئت وزیران را قائل نشدید اگرهم قائل هستید آنجا باید اضافه کرده باشید این پیشنهاد بنده اصلاح آن نکات است که رفع این تناقض و عیب را بکند.

رئیس- آقای مهندس اردبیلی

مهندس اردبیلی- موافقم

رئیس- آقای بوربور

بوربور- بنده با آن قسمت از فرمایشات جناب آقای عمیدی نوری که مربوط بحذف جمله تصویب هیئت وزیران میشود موافق نیستم برای اینکه بالا بردن قیمت نفت درداخله چون اینجا میگوید برای مصرف داخلی وچون برای مصرف داخلی است اینجا از لحاظ اینکه باکار دولت تاحدی تماس پیدا میکند یعنی با بالابردن قیمت موادی را که مصرفش درزندگی روزمره مردم تأثیر دارد بدون اطلاع دولت اگر این اختیار را بدستگاه دیگری بدهیم که بالابرد این صحیح نیست وبنده خیال میکنم که لازم است این جمله تصویب هیئت وزیران باشد چون نفت یکی ازموادی است که در زندگی عمومی مردم فوق العاده مؤثر است در مریضخانه ها ، نانوائی ها وصنایع تمام بستگی دارد باقیمت نفت وخارج گذاشتن دولت درامر بالابردن وپائین آوردن قیمت نفت در داخله صحیح نیست (عمیدی نوری- جایش اینجا نیست)

رئیس- آقای مهندس اردبیلی

مهندس اردبیلی- بنده فکر میکنم پیشنهادی که جناب آقای عمیدی نوری فرموده اند بسیار بجا بوده برای اینکه ما درمجلس نظرمان اینست که کارها سهل باشد ولی در اینجا مشکلتر میکنیم هیئت مدیره قیمت نفت را پیشنهاد بکند بعد شورایعالی بعد هیئت وزیران ، شاید یک کار فوری پیش آمد که هیئت وزیران فرصت تشکیل نداشت ومیبایستی آن کار فوری عملی بشود وآنوقت آن نظری که درشورایعالی گرفته میشود آن موکول بشود باینکه هیئت وزیران باید تصویب بکند که بعد عملی بشود من تصور میکنم که اگر یک قدری کارهایمان را بهتر بکنیم بهتر است، درشورایعالی هم اعضای دولت هستند واگر آقایان بهمان شورای عالی تنها موافقت بکنند تصور میکنم خیلی خوب است برای اینکه شورای عالی کیست؟ چند نفر از آنها هم دولت هستند جناب آقای بوربور بنده شخصا معتقدم که نباید دراین مملکت کارها را زنجیر کرد آقای انتظام مورد اعتماد است یا هر کس هم باشد بالاخره یک فردی است از اعضای دولت وقتی یک عده متخصصین نفت نشستند یک چیز را تصمیم گرفتند شاید درهیئت دولت اشخاصی نباشند که بآن اندازه مطلع وبصیر باشند آقایان شورای عالی صلاحیتشان دراینکار بیشتر ازهیئت دولت است آنها متخصص هستند آنها می‌توانند تصمیم بگیرند دراین قسمت من تصور میکنم که پیشنهاد آقای عمیدی نوری بسیار پیشنهاد خوبی است.

رئیس- آقای مشایخی مخبر کمیسیون

مخبر کمیسیون نفت- جناب آقای بوربور به بهترین وجهی موضوع را توضیح دادند واهمیت اینکه بایستی این موضوع بتصویب هیئت وزیران برسد گفته شد بنده تصور میکنم با توضیحات ایشان دیگر احتیاجی به تصدیع نخواهد داشت منظور اینست که بهای نفت همانطوری که جناب آقای عمیدی نوری فرمودند بهای نفت مصرف داخلی آن ازصلاحیت شورای عالی است پیشنهاد قیمت ازوظایف هیئت مدیره است بنابراین اصلاح شما را باین

کیفیت قبول میکنم که پیشنهاد قیمت فروش بنزین موتور ، نفت ونفت گاز ونفت کوره برای مصرف داخلی باپیشنهاد هیئت مدیره وموافقت شورایعالی وتصویب هیئت وزیران باشد (عمیدی نوری . شورا باید تصویب بکند) قیمت نفت در تمام شئون زندگی مردم این مملکت مؤثر است ودولت حق دارد که درقیمت نفت نظر داشته باشد . اگر یك موقعی که شرکت ملی نفت قیمت نفت را خواست بالا برد وتندروی بکند هیئت وزیران یك ترمزی است درمقابلش میگوید نه بنابراین باید هیئت مدیره پیشنهاد بکند شورا موافقت بکنند بهیئت وزیران وبنده ازاین جهت است که تقاضا میکنم عجب است اگرما بخواهیم درتمام کارها سوء ظن داشته باشیم هیچ کاری دردنیا درست نمی شود ما میخواهیم بگوئیم که قیمت نفت درمملکت نفت خیز باید بحداقل بها بدست مردم برسد و برای تأمین این منظور می گوئیم که خود هیئت مدیره نمیتواند بتنهائی تعیین قیمت بکند او پیشنهاد می کند شورا موافقت میکند وهیئت وزیران تصویب وآن وقت این قیمت می شود قیمت نرمال ومنصفانه بنابراین بااصلاح ماده که باین ترتیب گذاشته شود که بجای تعیین قیمت پیشنهاد نوشته شود موافقم وجمله آخر هم لازم است .

رئیس- پیشنهاد قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم بند ٤ ماده مزبور اصلاح شود .

تعیین سیاست کلی فروش وپخش و صدور نفت خام ومواد نفتی وتعیین پیشنهاد قیمت فروش بنزین موتور نفت ونفت گاز و نفت کرد برای مصرف داخلی بمنظور بررسی وتصویب شورایعالی

مشایخی- وهیئت وزیران هم اضافه می شود .

رئیس - اینطور می شود بمنظور بررسی و تصویب شورایعالی وهیئت وزیران آقایانی که بااین پیشنهاد و اضافه کردن هیئت وزیران موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد بجای بند چهار گذاشته میشود .

پیشنهاد دیگری رسیده قرائت می شود .

(بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینماید که در بند چهار کلمه سیاست حذف شود .

مهندس اردبیلی

رئیس- آقای مهندس اردبیلی

مهندس اردبیلی - بنده البته تصور می کنم ذکر کلمه حکم سیاست در کار های داخلی یك کشوری خوب نیست برای فروش نفت دیگر سیاستی لازم نیست در داخله انجام بدهیم اگر این موضوع برای خارج باشد بد نیست که البته سیاست دولت ایجاب می کند که اینطوری بکند ولی برای فروش مصرف داخلی حکم سیاست لازم نیست (یکنفر از نمایندگان - عوض کلمه سیاست روش بگذارید) اگر روش بکنیم بهتر است روش کلی فروش بهتر است بجای سیاست کلی فروش

رئیس - آقای صدر زاده مخالفید بفرمائید .

صدرزاده- جناب آقای مهندس اردبیلی قبول فرمودند که کلمه سیاست برای فروش خارجی عیب ندارد بنده می خواهم عرض کنم که برای داخلی هم عیب ندارد باشد بنده میخواهم عرض کنم که برای مصرف داخلی هم سیاست لازمست یك وقتی برای اینکه جنگلها محفوظ بماند سیاست ایجاب میکند که قیمت نفت ارزانتر باشد وارزانتر بفروش برود که چوب جنگل ها بی جهت مصرف نشود این تبدیل لفظ زیاد مهم نیست واین کلمه درسه بند ودوسه ماده آمده و حالا دریك ماده روش باشد و دریك ماده سیاست این ممکن است درمفاهیمش دچار اشکال بشود وچون درسایر مواد هم همین کلمه هست قبول بفرمائید ومن خواهش میکنم که همین مورد هم درین جا گفته شد ومانعی ندارد .

رئیس- آقای دکتر رضائی

دکتر رضائی- مخالفم

رئیس- آقای سلطانمراد بختیار - بنده مخالفم .

نمایندگان- پس گرفتند .

مهندس اردبیلی - بنده مسترد داشتم .

رئیس- بنابراین رأی گرفته میشود بماده ۳۸ آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

ماده ۳۹ قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۳۹- بند ۱- رئیس هیئت مدیره بر کلیه سازمانهای تابعه شرکت ریاست داشته ومسئول حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق ومنافع واموال شرکت خواهد بود وبرای اداره امور شرکت واجرای مصوبات هیئت مدیره دارای همه گونه حقوق و اختیارات بوده و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه مقامات ومؤسسات واشخاص و دادگاهها و سایر مراجع قضائی با حق توکیل غیر خواهد داشت .

بند ۲- رئیس هیئت مدیره میتواند هر قسمت از اختیارات خود را بهریك از اعضای هیئت مدیره و رؤسای ادارات شرکت به تشخیص خود با توجه بتخصص و صلاحیت آنان تفویض کند که امور قسمتهای مختلف شرکت را که باینطریق به آنها محول میگردد تحت نظر و مسئولیت مستقیم رئیس هیئت مدیره اداره کنند .

بند ۳- دادن حق امضاء بکارمندان شرکت موکول به پیشنهاد یکی از مدیران و تصویب رئیس هیئت مدیره خواهد بود .

بند ٤ - اعمال نظارتهای مالی و محاسباتی وبازرسی عملیات ومعاملات ومخارج شرکت بمنظور حسن جریان امور وحفظ اموال ووجوه شرکت برطبق اصول صحیح ومتداول حسابداری صنعت نفت و اجرای نظارت لازم در امور حسابداری شرکتهای فرعی و شعب و نمایندگی ها و مؤسسات مربوطه دیگر با رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل می باشد

رئیس- رأی گرفته می شود به ماده ۳۹ آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ٤۰ قرائت میشود

قسمت چهارم - هیئت عالی بازرسی

ماده ٤۱- هیئت عالی بازرسی مرکب از پنج نفر خواهد بود که سه نفر از آنها دارای تجربیات ومعلومات کافی در امور حسابداری وصنعتی و بازرگانی بوده و یك نفر آنها مهندس درامور مربوطه یا یك نفر از کارمندان عالی رتبه دولت خواهد بود .

رئیس- رأی گرفته میشود بماده ٤۰ آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ٤۲ قرائت میشود

ماده ٤۱ - بازرسان عالی ازطرف مجمع عمومی برای مدت دوسال انتخاب می شوند ویکنفر از آنها را مجمع عمومی بسمت رئیس عالی بازرسی تعیین خواهد نمود هریك از اعضای هیئت عالی بازرسی که مدت دوساله او پایان یافته باشد ممکن است مجدداً انتخاب شود تازمانیکه تجدید انتخاب بعمل نیامده بازرسان بخدمت خود ادامه خواهند داد .

رئیس - رأی گرفته می شود بماده ٤۱ آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ٤۳ قرائت میشود

ماده ٤۲ - هرگاه درظرف مدت خدمت محل بازرسی بواسطه فوت یا استعفا یا برکناری از خدمت خالی شود مجمع عمومی بطور فوق العاده تشکیل یافته و شخصی را که واجد شرایط باشد برای تصدی آن محل انتخاب خواهد کرد .

رئیس- آقای مهندس بهبودی .

مهندس بهبودی - درین ماده ٤۲ اشاره ببرکناری از خدمت بازرسی کرده ولی درهیچ جا نحوه برکناری بازرسی معلوم نشده ودرماده ٤۰ هم گفته که بازرس برای مدت دوسال انتخاب میشود ولی تصور میکنم که این کلمه برکناری بازرس یك کلمه زائدی باشد یا طرز برکناری باید معلوم شود .

رئیس- آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری- جناب آقای مهندس بهبودی راجع باصل ماده نظری نداشتند فقط راجع بموضوع برکناری نظرشان بود که تکلیف چیست ؟ علی الاصل کسی که برای مدت دوسال انتخاب شده قابل تغییر نیست وباید وظیفه اش را در آن مدت انجام بدهد مگر اینکه یك امری موجب برکناری او بشود یعنی کمیسیون جزائی ، جنحه ای پیدا بکند که صلاحیت انجام وظیفه از او سلب بشود دراینصورت برکنار خواهد شد ومجمع عمومی دعوت می شود و بجای او انتخاب میکند والاغیر ازاین دلیل دیگری نداریم یك کسی که برای مدت دو سال بعنوان بازرس انتخاب شده یك دلیل و شرایطی برای برکناری او باید بوجود بیاید این اصل هم نیست درهیچ جا بنابراین اصل این است که یك کسی که برای مدت دوسال انتخاب شده صلاحیت دارد مگر خلافش ثابت شود خلافش هم با حکم محکمه است ومحکومیت جزائی است که مانع ادامه خدمت او میشود بنابراین بنظر بنده ماده بدی نیست .

رئیس - آقای مشایخی مخبر کمیسیون .

مخبر کمیسیون نفت - توضیحات جناب آقای عمیدی نوری وافی بمقصود بوده وبنده عرض میکنم که ماده خوبی است و اشکالی ندارد .

رئیس- پیشنهادی رسیده که قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که جمله زیر با رعایت قوانین مربوط به استخدام کارشناسان خارجی درسطر دوم ماده علاوه شود

دکتر دادفر .

رئیس- این مربوط بماده دیگر است که میماند درموقع خود طرح میشود .

رأی گرفته میشود بماده ٤۲ آقایانی که موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ٤۳ مطرح است وقرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ٤۳ - هیئت عالی بازرسی میتواند برای انجام وظایف خود ازهر نوع کارشناس اعم از داخلی وخارجی استفاده نماید برای انجام این منظور رئیس هیئت عالی بازرسی به هیئت مدیره مراجعه نموده وهیئت مدیره مکلف است نظر هیئت مزبور را تأمین نماید .

رئیس- پیشنهادی است که قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که جمله زیر با رعایت قوانین مربوط باستخدام کارشناسان خارجی درسطر دوم ماده ٤۳ پس از عبارات اعم از داخلی وخارجی علاوه شود .

دکتر دادفر

رئیس- آقای دکتر دادفر

دکتر دادفر - آقایان ملاحظه بفرمائید دراین جا نوشته شده است که هیئت عالی بازرسی میتواند برای انجام وظایف خود ازهر نوع کارشناسی از داخلی وخارجی استفاده نماید اصولا استخدام کارشناسان خارجی برای وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی تابع یك قانون خاصی است قانون عقرب ۱۳۰۵ که باید رعایت شود حالا باید این جا دید که شرکت نفت آیا اجازه دارد که خودش مستقیما کارشناس خارجی بیاورد یا باید تابعیت وشرایطش معلوم شود یعنی اگر کارشناس خارجی بیاورد باید قانونی را که دراین مورد هست رعایت کند اگر متخصص داخلی بخواهد استخدام بکند مختار است اگر هم این جمله ای که پیشنهاد کردم علاوه شود شرکت اصولا مکلف برعایت آن هست برای این که کارشناسان خارجی را بدون تصویب مجلسین نمیتوانند بیاورند واگر سازمان برنامه هم می آورد کمیسیون برنامه دومجلس اجازه میدهند وتصویب میکنند یعنی همیشه مجوز کسب میکنند ملاحظه بفرمائید که هر روز وزارت خانه های مختلف برای استخدام کارشناسان خود حتی یك نفر کارشناس هم باشد قرارداد استخدامیشان راضمن لایحه تقدیم مجلس میکنند خوب شرکت ملی نفت هم یکی ازمؤسسات داخلی است و باید رعایت مقررات استخدام کارشناسان خارجی را بکند این جا مینویسد برای انجام این منظور میتواند ازهر نوع کارشناس اعم ازداخلی وخارجی استفاده کند یعنی چه یعنی استخدام بکند وبیاورد و استفاده میکند کارشناس که مجانی نمیآید کار بکند و در معرض استفاده آقا قرار بگیرد باید تحت یك شرایطی قرار بگیرد وقرارداد امر باید ازتصویب مجلس بگذرد چون اسرار بازرسی شرکت نفت را که نمیشود دراختیار کارشناس خارجی گذاشت ووقت دراین امر بوسیله تقدیم لایحه میشود وبنده برای جلب توجه آقایان به قانون استخدام کارشناس خارجی این پیشنهاد را عرض کردم .

رئیس- نمیشود گفت همینطور دو هزار نفر خارجی را بیاورند بدون اطلاع مجلس این صحیح نیست آقای ارباب مخالفید یاموافق (ارباب- بااصل ماده موافقم) با پیشنهاد مخالفید عقیده دارید که استخدام مستخدم خارجی محتاج به رعایت قانون استخدام کارشناس خارجی نیست ؟ بفرمائید .

ارباب- برای بازرسی ممکن است در یك مورد معینی پیش آمد کند که محتاج باشد شرکت یك کارشناس از خارج بیاورد این کارشناس ممکن است اسباب وزهابش پنجروز یا یك ماه بیشتر طول نکشد بنابراین معلوم نیست در چه مورد و برای چه احتیاجی لازم است کارشناس بیاید در آنصورت برای یك هفته دو هفته یك ماه کسی را که متخصص بدانند ، کسی را که کارشناس بدانند کسی را که مانع سیاسی از ورودش در کشور نباشد استخدام میکنند و بعقیده بنده بد نیست .

رئیس- آقای حمید بختیار

حمید بختیار - عرض کنم که فرمایش آقای دکتر دادفر بعقیده بنده صحیح است ولی یك نکته ای که بنده بیاد دارم باید بعرض آقایان برسانم که موضوع روشن بشود درقسمت جلب کارشناس این اشتباه آمده است درشرکت ملی نفت سابقه داشته است برای درجه بندی مشاغل از شرکت هائی که دراینگونه امور وارد هستند دعوت میکند برای ده روز پانزده روز دوماه یك قراردادی می بندد که این مراتب را ببینند صحیح است یاخیر والاصحبت این اینکه کارشناس استخدام میکند برای یکسال ودوسال و سه سال وبیاورند اینجا در کار نیست یك امر موقتی است که سابقه داشته است واینکار را هم میکردند کما اینکه در شرکت ملی نفت برای درجه بندی مشاغل ازیك شرکت آمریکائی دعوت کردند اینجا وآنها دو سه ماه کارشان را انجام دادند ورفتند پی کارشان .

رئیس- آقای مخبر کمیسیون

مشایخی (مخبر کمیسیون نفت) - برای اینکه معلوم شود که کارشناس بچه منظوری وبرای چه کارهائی ما دعوت میکنیم اول باید ببینیم که حدود وظایف واختیار آنها چیست وبرای چه مواردی ممکن است دعوت بشوند . بنده از آقای دکتر دادفر تقاضا میکنم که بوظایف هیأت بازرسی توجه بفرمایند ، وظایف هیأت بازرسی اهمیتش عبارت است ازرسیدگی بترازنامه وحساب سودوزیان که کارشناس مالی نمیخواهد و همین هیأت بازرسی میتوانند بدفاتر مراجعه بکنند وبالاخره مهمترین وظیفه ای که برای آنها تعیین کردیم مطالعه گزارش است و اظهار نظر نسبت بمندرجات آن بنابراین هیأت بازرسی که کارشناس دعوت میکند برای امور مالی و برای رسیدگی بحساب است که یك نفر حسابدار استخدام میکند که بیائید ببینید ترازنامه سودوزیان که برای سال مالی ۱۹۵۹ مثلا تنظیم شده ازنظر فرم وحساب صحیح است یاخیر این یك کاری است موقتی وقرارداد استخدام بهیچوجه تنظیم نمیشود آن کارشناس می آید می بیند و هیأت بازرسی راپرت میدهد بهیئت مدیره بنابر این فرض استخدام اینجا تحقیق پیدا نمیکند که ما در اطراف آن بخواهیم چیزی بگذرانیم وخیال میکنم اگر جناب آقای دکتر دادفر پیشنهاد خودشان را پس بگیرند رفع اشکال خواهد شد .

رئیس- استخدام موقت مانعی ندارد ولی استخدام دائم اقلا باید باتصویب کمیسیون نفت باشد و همینطور نباید بدولت اجازه داد که هر کس را بخواهد استخدام بکند موقتش مانعی ندارد اما دایم برای یکسال یادوسال صحیح نیست .

مهندس هدایت- اجازه بفرمائید کلمهٔ موقت اضافه شود .

رئیس- موقت بگذارند مانعی نیست دوماهه سی یاچهل روزه مانعی ندارد ولی برای مدت بیشتر شرکت اختیار ندارد که کارشناس خارجی بیاورد . آقای صدرزاده بفرمائید .

صدرزاده - همینطور که جناب آقای رئیس فرمودند استخدام متخصص داخلی برای مشورت مانعی ندارد اما از نقطه نظر استخدام خارجی رعایت مقررات استخدام مستخدمین خارجی ضروریت دارد چون البته ما نمیتوانیم هر کارشناس خارجی را بیاوریم وباسرار نفت خودمان وارد کنیم بنابراین این افرادی را که ما انتخاب میکنیم باید رعایت این نکته را بکنیم بنابراین بنظر بنده اگر استخدام موقت هم باتصویب شورایعالی باشد بهتر است چون نمایندگان مجلس هم در آنجا هستند طبعا اشخاصی را انتخاب خواهند کرد که صلاحیت داشته باشند این نظر بنده است .

رئیس - آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری - عرض کنم آقایان توجه دارند که لایحه ای که ازسنا آمده بود اصلا هیئت بازرسی برای یك شرکت باین بزرگی ومعظمی قائل نبودند هیئت مدیره وشورا ومجمع عمومی وچندنفر دیگر در صورتی که هرشرکت کوچکی یك هیئت بازرسی برای خودش دارد و این هیئت بازرسی درنتیجه مطالعه ودقت وفشار کمیسیون نفت بوجود آمد یعنی ماخواستیم که یك کنترل ونظارتی هم باشد وهر گونه هرقدر شما این هیئت بازرسی را ضعیف کنید بضرر ملت ایران است که سرمایه اش این شرکت ملی نفت است وهرقدر تقویت بشود وقویتر بشود بنفع ماست اینجا چه گفته ؟ گفته است اگر هیئت بازرسی بیك امری بخواهد رسیدگی بکند واحتیاج پیدا کند بیك کارشناس داخلی یا خارجی بصورت موقت همانطوری که نظر جناب آقای رئیس است مختار باشد که هیئت مدیره مکلف است بهش بدهد اگر این را بخواهید باموافقت شورایعالی وموافقت هیئت مدیره بکنید اصلا کار آن بازرسی لنگ میشود وقابل پیشرفت نیست بنابراین ماده همینطور که تنظیم شده است خوب است وبرای اینکه ازاین ماده استفاده ای نشود که بطور دایم کسی استخدام بشود آن قید موقت درقسمت کارشناس خارجی اگر اضافه شود اشکالی ندارد که بطور دایم کارشناس خارجی استخدام نشود ورفع این عیب را میکند بنابراین نظر بنده این است که اگر بااین قید ماده را تصویب بفرمائید خوب است

رئیس- بکمرتبه دیگر باذکر کلمه موقت قرائت می شود ورأی میگیریم

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ٤۳- هیئت عالی بازرسی میتواند برای انجام وظایف خود ازهر نوع کارشناس اعم از داخلی وخارجی استفاده نماید برای انجام این منظور رئیس هیئت عالی بازرسی به هیئت مدیره مراجعه نموده وهیئت مدیره مکلف است نظر هیئت مزبور را تأمین نماید .

رئیس- آقایانیکه که بااین ماده موافقند قیام بفرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ٤٤ قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ٤٤- وظایف هیئت عالی بازرسی ازقرار ذیل است

الف- تطبیق عملیات شرکت بااعتبارات مصوبه وقوانین مربوطه .

ب - رسیدگی به ترازنامه و حساب عملکرد و سود وزیان شرکت وتصدیق مطابقت آن بادفاتر شرکت وتهیه گزارش چگونگی عملیات شرکت برای تقدیم به مجمع عمومی گزارش مزبور باید لااقل یکماه قبل از انعقاد مجمع عمومی سالیانه به رئیس هیئت مدیره تسلیم شود که بضمیمه نظریات هیئت مدیره با ترازنامه به مجمع عمومی تقدیم نماید

ج- اعضای هیئت عالی بازرسی در اجرای وظیفه حق مراجعه به کلیه دفاتر و پرونده ها و قرار دادهای شرکت را خواهند داشت ورونوشت کلیه مصوبات مالی هیئت مدیره ومدارك و اطلاعات مربوطه در اختیار آنها گذارده خواهد شد چنانچه اشتباهات یا تخلفات و یا بی ترتیبی هائی مشاهده نمایند وبامراجعه به مدیران ورؤسای مربوطه موضوع حل نشود مطلب را به رئیس هیئت مدیره گزارش خواهند داد و چنانچه نسبت باین گزارش اقدام بعمل نیاید مراتب را به مجمع عمومی گزارش خواهند داد .

د - مطالعه گزارش سالیانه هیئت مدیره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن .

ه - شرکت درجلسات مجمع عمومی و شورایعالی بدون حق رأی .

رئیس- مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم بماده ٤٤ آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ٤٥ قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ٤٥ - اجرای وظائف هیئت عالی بازرسی که برطبق مقررات این اساسنامه تعیین شده نباید بهیچوجه مانع جریان عادی کار شرکت گردد .

رئیس- رأی گرفته می شود بماده ٤٥ آقایانیکه موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ٤٦ قرائت می شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۴۶ - حقوق اعضای هیئت عالی بازرسی از طرف مجمع عمومی تعیین و بهستور وزیر دارائی از طرف شرکت پرداخت خواهد شد .

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته می شود باده ۴۶ آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۴۷ قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۴۷ - رئیس و اعضای هیئت عالی بازرسی حق اشتغال موظف دیگری در داخل یا خارج از شرکت و شرکت‌های وابسته آن را ندارند اشتغال غیرموظف (افتخاری بدون دریافت حقوق) درهر مورد منوط بموافقت وزیر دارائی خواهد بود .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) رأی گرفته می‌شود باده ۴۷ آقایان موافقین قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۴۸ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

مادهٔ ۴۸ - سال مالی شرکت از پانزدهم دی ماه هر سال شروع شده و در تاریخ دهم دیماه سال بعد خاتمه میابد .

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته می شود باده ۴۸ آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۴۹ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۴۹ - تعداد و نوع دفاتر رسمی که باید بالسب شوند بر طبق تصمیم هیئت مدیره خواهد بود

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم باده ۴۹ آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۵۰ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۵۰ کلیه دفاتر شرکت بتاریخ روز آخر سال مالی بسته شده و تراز نامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش هیئت مدیره اقلا دو ماه پیش از تاریخ انعقاد مجمع عمومی تهیه ودر اختیار هیئت عالی بازرسی گذاشته خواهد شد تا پس از مطالعه آن گزارش خود را برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه نماید .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم باده ۵۰ آقایانی که موافقند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۵۱ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۵۱ - هیئت مدیره مکلف است اندوخته های مخصوصی بمیزان متناسب برای تأمین احتیاجات شرکت طبق معمول صنعت نفت ازمحل درآمد خالص درنظر گرفته وبتصویب شورا برساند

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم باده ۵۱ آقایانی که موافقند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۵۲ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۵۲ - در ترازنامه اقلام دارائی شرکت بنهای خرید یا تمام شده بعد ازمنظور کردن استهلاک محسوب میشود مطالبات مشکوک به ارزش احتمال روز تنظیم در ترازنامه محسوب می شود اقلام سوخت شده نباید جزو دارائی محسوب گردد .

تبصره ۱ - چنانچه هیئت مدیره تجدید ارزیابی تمام یا قسمتی از دارائیهای غیرمنقول شرکت را لازم تشخیص دهد میتواند با تصویب مجمع عمومی اقدام بتجدید ارزیابی بنماید در این صورت چنانچه مازادی حاصل شود بحساب سود شرکت منظور نگردیده و جزو دارائی شرکت محسوب خواهد شد .

تبصره ۲ - استهلاک نسبت به انواع دارائیهای شرکت طبق اصول صحیح و متداول صنعت نفت تعیین خواهد شد ولی درهیچ مورد میزان سالانه آن از پنج در صد بهای تمام شده کمتر نخواهد بود

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم باده ۵۱ آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۵۲ قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۵۳ - شرکت مکلف است سالانه دو درصد از درآمد کل خود را به حساب ذخیره عمومی شرکت انتقال دهد استفاده از ذخیره عمومی شرکت موکول بپیشنهاد هیئت مدیره وتصویب شورایعالی خواهد بود .

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم ماده ۵۲ آقایان موافقین قیام فرمایند را (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۵۳ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۵۳ - هیئت مدیره مکلف است اندوخته های مخصوصی بمیزان متناسب برای تأمین احتیاجات شرکت طبق معمول صنعت نفت ازمحل درآمد خالص درنظر گرفته وبتصویب شورا برساند

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم باده ۵۳ آقایانی که موافقند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۵۴ قرائت می‌شود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۵۴ - درآمد شرکت از محل دوازده ونیم درصد مقرر در قرارداد فروش نفت مصوب ۷ آبان ۱۳۳۳ ووجوهی که بهر عنوان بدیره و حق الارض بموجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ۱۳۳۶ باید بشرکت ملی نفط پرداخت شود .

رئیس - آقای معادتربتی

عمادتربتی - بنده عرض زیادی ندارم این موضوع بدون مقدمه شروع شده است اگر اینطور میبود ماده ۵۷ سود ویژه عبارت است از الف - فلان ب فلان بنظر من از لحاظ سیاق قانونگذاری وعبارت نویسی بهتر بود .

رئیس - همینطور است که میفرمائید اصلا ماده خوب تنظیم نشده اگر اینطور بشود که قسمت (ب) که درآمد کل است مقدم باشد وسود ویژه مؤخر باشد یادر آمد کل قسمت (الف) بشود و قسمت (الف) فعلی بند (ب) بشود ، آقای دولت آبادی

دولت آبادی - بنظر بنده بهتر است همانطور که فرمودند متن ماده باید درآمد کل باشد و تبصره درآمد ویژه اجازه بفرمائید قسمت اول بشود متن ماده وقسمت ب تبصره باشد .

رئیس - که ماده باین صورت درمی آید و درآمد کل عبارت است از فلان این ماده ۵۷ خواهد بود وقسمت (الف) که سود ویژه است بصورت تبصره درمی آید حالا یک مرتبه دیگر باین صورت قرائت میشود

ماده ۵۷ - درآمد کل عبارت است از سود ویژه باضافه درآمد حاصل ازمحل ۱۲٫۵ درصد مندرج در قرارداد فروش نفت مصوب هفتم آبانماه ۱۳۳۳ ووجوهی که بهر عنوان بدیره وحق الارض بموجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ۱۳۳۶ باید بشرکت ملی نفط پرداخت شود

تبصره - سود ویژه عبارت است از درآمد حاصل از عملیات شرکت پس از وضع هزینه های جاری واستهلاک

رئیس - آقای آقایان فرمایشی دارید (آقایان - بنده دراصل ماده عرض دارم) بفرمائید

فلیکس آقایان - دراینجا درآمد پذیره را هم جزء عایدات شرکت نفت منظور داشته اند حق الارض هم همینطور آقایان صحبت کردند که سال گذشته بموجب یک قراردادی که بایان آمریکن بسته شد ۲۰ میلیون دلار سرقفلی یا باسم جدیدش پذیره گرفته شد آن پول را دولت گرفت و بمصارف مختلفه‌ای رساند و یک قسمت جزئیش را صرف شرکت کرد اگر قرار باشد که شرکت نفط این پولها را بگیرد و تمامش مال خودش باشد (دولت آبادی - شرکت نفط هم مال دولت ومجلس است) تمام این ها را من تصدیق میکنم فکر میکنم بهتر است که دراینجا تمام این پولها را در یکجا بشرکت ملی نفط نبخشید بلکه بدهید بدولت ودولت هر مقدار سهمی را که ازاین پذیره خودش تشخیص داد دراختیار شرکت نفط بگذارد یا اینکه خرج آن ازطرف شرکت نفط با موافقت وزارت دارائی باشد بالاخره این پول مال مملکت است ومملکت هم یک احتیاج که ندارد هزاران احتیاج است باید این پول بیاید ببودجه مملکت یعنی اگر ما این خوشبختی را داشته باشیم که سه چهار تا ۲۰ میلیون دلار پذیره بگیریم باید بیاید جزء بودجه مملکت بعد آدولت پیشنهاد بکند که یک قسمتی از این وجوه جزء عایدات شرکت ملی نفط بشود بشرکت ملی نفط داده شود .

رئیس - آقای مخبر

مخبر کمیسیون نفت - اصولا یکی ازکارهای بزرگ شرکت نفط ملی ایران که موضوع استخراج واکتشاف ولوله کشی در داخل ایران باشد این احتیاج به یک سرمایه خیلی زیادی دارد که هزینه این کارو سرمایه‌های مربوط به این کار بایستی از درآمد کل پرداخت بشود بنابراین ما باید توجه داشته باشیم که برای بسط عملیات شرکت باید در اساسنامه یک راهی باز کرده باشیم یکی از راههای درآمد شرکت آن وجوهی است که بعنوان پذیره دریافت میکند ولازم است در اساسنامه عنوان خاصی داشته باشد که متعلق بشرکت ملی نفت باشد سال قبل اگر بملی ازنقطه نظر ضرر بود یا ازنقطه نظر هزینه‌های ضروری وفوری دولت آمده است با اجازه مجلس شورای ملی ازمحل پذیره یک خدماتی در نقاط مرزی انجام داده است این دلیل نمی شود که این موضوع که مربوط بنفت است وبرای نفت است وبرای سرمایه گذاری وتوسعه صنعت نفت خواهد بود ازاساسنامه خارج کنیم باین جهت استکه بنده خواستم موافقت بفرمایند بهمین نحو که نوشته شده است باشد منتهی با تقدم جای درآمد کل بجای سود ویژه وسود ویژه بجای درآمد کل

رئیس - آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری - درموقعیکه این فصل در کمیسیون نفت مطرح بود یعنی موقعیکه

این مواد تمام میشد نبنده در آن جلسه نبودم وجناب آقای ناصرهم که در آن موقع وزیر دارائی بودند گویا مریض بودند تشریف نیاورده بودند بعد روزی که تشریف آوردند بایشان عرض شد که وقتی بفرمایید راجع باین درآمدی که از محل نفت حاصل میشود چون درآمد وسرمایه حاصل ازنفت درسال حاضر تقسیمات مختلف بموجب قوانین دارد قسمتی برای سازمان برنامه است قسمتی برای عملیات خود شرکت ملی نفت بترتیب مقرر باقی بماند ودرآینده هم اگر بخواهیم که این ترتیب رعایت بشود جناب آقای هنجنی که الان تشریف دارند و این نکته بیمه مورد توجهشان باشد که بنحویکه مواد قبلی گذشت مخصوصا ماده ۵۵ که بنده میگفتم چه میخواهم آنوقت باین نکته ای که جناب آقای آقایان گفتند وبنظرمن هم خیلی قابل توجه است توجه بفرمائید درماده ۵۵ بطور مطلق میگوید « تأمین سرمایه بمنظور توسعهٔ عملیات شرکت و همچنین هر گونه سرمایه گذاری بموجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ۱۳۳۶ ونیز تأمین بودجه سرمایه‌ای عملیات غیرصنعتی مصرح درقانون قرارداد فروش نفت مصوب ۷ آبان ۱۳۳۳ باید از محل درآمد کل بعمل آمد » یعنی شرکت نفت آمده کلیه آن درآمدها اول ۱۲٫۵ درصد ۲- حق الارض سوم پذیره تمام اینها را بموجب این تعریف که ما می گنیم همه اینها را بعنوان درآمد کل منظور کرده آنوقت ازاین درآمد کل میگوید این کارها را میخواهیم بکنیم یکی تأمین بودجه برای عملیات غیر صنعتی که آقایان مسبوقند که این عملیات غیرصنعتی تا چند وقت پیش در اختیار کنسرسیوم بود وحالا واگذار شده است به شرکت نفت وشرکت نفت باید خانه های بسیار زیاد بسازد ویا هر گونه عملیات غیر صنعتی را باید خودش اداره بکند و در اینصورت هر گونه بودجه ای که داشته باشد برایش کم است باید ازپذیره از جاه های دیگر ازحق الارض هر جا که پولی تحصیل می کند باید خرج کند با این کیفیت من نمیدانم دادن سرمایه‌ای که قسمتی از آن بحساب بودجه کل مملکتی است وقسمتی از آن بابت سازمان برنامه است واحتیاجاتی که بعدا برای برنامه هفت ساله سوم پیدا خواهیم کرد محل آن عواید از کجا خواهد بود اگر ما آمدیم اینها را در آمد کل قائل شدیم وبعد هم بموجب ماده ۵۵ که الان تصویب فرمودید و گفتید همه اینها برای سرمایه گذاری نفت باشد سایر امور کشور که ارتباط باین عایدی نفت دارد یعنی امر سازمان برنامه وامر بودجه مملکتی که قسمتی ازاین را درد بودجه می گذارند چه شکلی پیدا خواهد کرد این نکاتی بود که بنده بطور کلی خدمت جناب آقای ناصر عرض کردم وایشانهم مورد توجهشان واقع شد و گفتند این فصل بماند وبعد آرسید گی میکنیم وبعد بنده نمیدانم چه طور شد درآن جلسه نبودم وجناب آقای ناصرهم که درآن موقع وزیر دارائی بودند گویا مریض بودند تشریف نیاورده بودند بعد روزی که تشریف آوردند بایشان عرض شد که وقتی بفرمایید راجع باین درآمدی که از محل نفت حاصل میشود چون درآمد وسرمایه حاصل ازنفت درسال حاضر تقسیمات مختلف بموجب قوانین دارد قسمتی برای سازمان برنامه است قسمتی برای عملیات خود شرکت ملی نفت بترتیب مقرر باقی بماند ودرآینده هم اگر بخواهیم که این ترتیب رعایت بشود جناب آقای هنجنی که الان تشریف دارند و این نکته بیمه مورد توجهشان باشد که بنحویکه مواد قبلی گذشت مخصوصاً ماده ۵۵ که بنده میگفتم چه میخواهم آنوقت باین نکته ای که جناب آقای آقایان گفتند وبنظرمن هم خیلی قابل توجه است توجه بفرمائید درماده ۵۵ بطور مطلق میگوید « تأمین سرمایه بمنظور توسعهٔ عملیات شرکت و همچنین هر گونه سرمایه گذاری بموجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ۱۳۳۶ ونیز تأمین بودجه سرمایه‌ای عملیات غیرصنعتی مصرح درقانون قرارداد فروش نفت مصوب ۷ آبان ۱۳۳۳ باید از محل درآمد کل بعمل آمد » یعنی شرکت نفت آمده کلیه آن درآمدها اول ۱۲٫۵ درصد ۲- حق الارض سوم پذیره تمام اینها را بموجب این تعریف که ما می گنیم همه اینها را بعنوان درآمد کل منظور کرده آنوقت ازاین درآمد کل میگوید این کارها را میخواهیم بکنیم یکی تأمین بودجه برای عملیات غیر صنعتی که آقایان مسبوقند که این عملیات غیرصنعتی تا چند وقت پیش در اختیار کنسرسیوم بود وحالا واگذار شده است به شرکت نفت وشرکت نفت باید خانه های بسیار زیاد بسازد ویا هر گونه عملیات غیر صنعتی را باید خودش اداره بکند و در اینصورت هر گونه بودجه ای که داشته باشد برایش کم است باید ازپذیره از جاه های دیگر ازحق الارض هر جا که پولی تحصیل می کند باید خرج کند با این کیفیت من نمیدانم دادن سرمایه‌ای که قسمتی از آن بحساب بودجه کل مملکتی است وقسمتی از آن بابت سازمان برنامه است واحتیاجاتی که بعداً برای برنامه هفت ساله سوم پیدا خواهیم کرد محل آن عواید از کجا خواهد بود اگر ما آمدیم اینها را در آمد کل قائل شدیم وبعد هم بموجب ماده ۵۵ که الان تصویب فرمودید و گفتید همه اینها برای سرمایه گذاری نفت باشد سایر امور کشور که ارتباط باین عایدی نفت دارد یعنی امر سازمان برنامه وامر بودجه مملکتی که قسمتی ازاین را در بودجه می گذارند چه شکلی پیدا خواهد کرد این نکاتی بود که بنده بطور کلی خدمت جناب آقای ناصر عرض کردم وایشانهم مورد توجهشان واقع شد و گفتند این فصل بماند وبعد آرسیدگ

اینستکه این پول را باید تمام و پلا عوض نگذارند در اختیار شرکت ملی نفت بلکه دولت این پول را که مربوط بسرمایه و دارائی مملکت است باید بطور مجزا و جداگانه جزء سرمایه قرار بدهد و نحوهٔ خرجش با پیشنهاد دولت از طرف مجلس معلوم شود

رئیس - آقای دولت آبادی

دولت آبادی - این چیزی که این جا طرح شده است با آنچه که گذشته است بشهادت مجلس طبق قانون عمل شده پذیرهای آینده مستلزم قرارداد و تعهدی است برای شرکت ملی نفت که شرکت موظف است برای سرمایه گذاری درنظر بگیرد بنا براین همانطور که آقای معاون وزارت دارائی گفتند همه وجوهات در اختیار دولت است الان هم دولت در درآمد نفت سهمیه دارد و بنابراین باید مشترکاً بنشینند و باهم مشکلات را حل کنند و چون اصولا پذیره ها مربوط بشرایط سرمایه گذاری است بعقیده بنده نمیشود از درآمد شرکت مجزا کرد این است که بنده با این پیشنهاد مخالفم

رئیس - یک مرتبه دیگر پیشنهاد برای توجه آقایان قرائت میشود

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد

۶ - تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - چون چند ماده دیگر در فصول سایر مقررات مانده است و بعضی از آقایان هم تقاضا کرده اند که در کلیات آخر صحبت کنند بقیه میماند برای جلسه بعد فعلا جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز سه شنبه ساعت نه صبح خواهد بود.

(مجلس پنجاه و پنج دقیقه بعداز ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

رضا حکمت